

## سازمان عفو بین المللی

## افغانستان

## سیستم فروریخته محابس مایوسانه در انتظار ترمیم

در جریان 23 سال جنگ مسلحانه در افغانستان، سیستم عدلیه در این کشور قادر نیست تا از حقوق مردم حمایت کند. محابس و رکن اساسی و با صلاحیت این سیستم بعد از سالها غفلت و عدم موجودیت آموزش و کارمندان مسلکی از هم فروپاشیده است. چون توجه کشور های کمک کننده به جهات دیگری متمرکز میباشند، کارکنان محابس سعی میورزند تا برای هزار ها نفری که برای مدت های زیاد و در شرایط محدود نگهداری می گردند محل بودیاش فراهم کنند، تخطی از اساسی ترین معیار های حقوق بشر به طرز برخورد با توقیف شده گان ارتباط دارد.

سازمان عفو بین المللی وجیهی احیای مجدد محابس را در سراسر افغانستان یک چلنج اساسی میداند. سیستم عدلی جنایی، الی مارچ 2003 برای محبس هیچ کدام تمویل کننده بین المللی نداشته است تا کار بازسازی را بر عهده گیرد.

دستگاه های حاضر هیچ نوع منابع و متخصصین ندارد سیستم محابس را مطابق به شرایط حد اقل بین المللی بازسازی نماید. محبوسین برای ماه ها در سلول های بس مزدحم نگهداری گردیده و بعضی از آنها ولچک زولانه اند، با غذا و بستر خواب ناکافی و کارمندان هیچ نوع تعلیم ندیده و برای ماه ها معاش نگرفته اند. محبوسین و توقیف شده گان در مصوونیت بسز نمی برند، بعضی از آنها از شکنجه های روحی و جسمی رنج میبرند. عدم موجودیت امکانات نه تنها بالای محبوسین تاثیر داشته است بلکه بالای آنها ی که درین سیستم کار می نمایند و «هازی که توقیف اند تاثیر دارد. این عدم موفقیت جامعه بین المللی را نشان میدهد که از یکطرف تعهد به بازسازی افغانستان نمودند ولی از طرف دیگرمهیچ توجهی به این سیستم ننموده اند، در حالی که بازسازی سیستم محابس ارتباط مستقیم با قانون و معیار های بین المللی دارد.

سازمان عفو بین الملل به دولت انتقالی افغانستان تاکید می نماید که بازسازی سیستم محابس یکی از راه های تحفظ حقوق بشر است. این موضوع تا زمانی نمی تواند تطبیق گردد که مساعدت های لازم مالی، مواد تخریبی و حمایت متخصصین بین المللی فراهم نگردد.

یک سیستم عدلیه فعال که مطابق به قانون و معیار های بین المللی باشد در یک عملیات موثر در تمام بخش های داخلی، به شمول پولیس، محبس و محاکمه ارتباط دارد، تا زمانی که تمام این اشکال بر ملا میگردد و اطلاعات اولیه و مقدم باید انجام گیرد، این سیستم هیچ گاه موفق نخواهد بود.

این گزارش اسنادی است که روی مشکلات ای که کارمندان محبس به آن مواجه اند، آنها را ناتوان میسازد که حقوق توقیف شده گان و محبوسین را رعایت کنند. این طور به نظر میرسد که آنها اول روی امکانات و آموزش تمرکز مینمایند و بعدا روی وضعیت محابس. این نمونه اسناد از شکنجه روحی و توقیف های خودسرانه میباشند، قبل از آنکه پیشنهادات شانرا به دولت انتقالی افغانستان و جامعه بین المللی کمک کننده ارایه دهد.

## پاورقی

1- در مارچ 2003، باننقال دستگاه محابس از وزارت داخله به وزارت عدلیه ای تالی، یگانه رهبر تمویل کنند هبرای بخش عدلیه، فعال رهبر کمک کننده برای سیستم محابس گردید.

این گزارش خلاصه یک سند 49 صفحه ای که شامل (کلمه 155, 20) بنام افغانستان، سیستم فروریخته محابس مایوسانه در انتظار ترمیم است ( AI Index:AsA/11/017/2003 ) که توسط سازمان عفو بین المللی به شتر رسید هر گاه کسی خواهان جزئیات بیشتر درین باره باشد و یا خواهان انجام کاری در این زمینه باشد باید به سند مکمل مراجعه و مطالعه کند.

یک مقدار زیاد مواد در رابطه به این موضوع و دیگرموضوع ها در بخش ویب سایت موجود است در <http://www.amnesty.org> و بخش خبری این سازمان روی ای میل دیل است:

<http://web.amnesty.org/ai.nsf/news>

International secretariat, 1 Easten street, London  
Wc1xDw.United Kingdom

## افغانستان

## سیستم فروریخته محابس مایوسانه در انتظار ترمیم

صفحه	فهرست
1.....	1. معرفی نامه
در	1.1 سازمان عفو بین المللی افغانستان
2.....	2. پس منظر
2.....	2.1 پروسه انتقالی
المللی	2.2 مسولیت های قانونی بین المللی
اجتماعی	2.3 شرایط اقتصادی و
محابس	2.4 قانونیت
4.....	3. اداره محابس امروز
5.....	3.1 انتقال ریاست محابس به وزارت عدلیه
ولایات	3.2 مرکز و
7.....	4. سوابق
محبوسین	4.1 مردان در توقیف
9.....	4.1.2 معنادان
10.....	4.2 زنان در توقیف
10.....	4.3 اطفال در توقیف
والدین	4.3.1 اطفال توقیف شده با
11.....	5. موانع برای یک سیستم محبسی که استوار بر حقوق بشر باشد
12.....	5.1 منابع
14.....	5.2 کارمندان
15.....	5.2.1 کارمندان زن
15.....	5.2.2 پرداخت (معاش)
16.....	5.2.3 آموزش
کارمندان	5.2.4 زخم های التیام نیافته
17.....	5.3 اسلحه در محبس
19.....	5.4.1 عمارت های مخروبه و محل بودیاش کاملا نامناسب
20.....	



## سیستم فروپاشیده محبس مایوسانه در انتظار ترمیم

## 1. معرفی نامه

در جریان جنگ مسلحانه، سیستم عدلیه در افغانستان قادر نیست تا از حقوق مردم حفاظت کند. زندانیان یک بخش اساسی این سیستم بوده که بر اثر بی توجهی و عدم آموزش و کارمندان مسلکی فروپاشیده است. در حالی که توجه کشورهای کمک کننده به سوی دیگر تمرکز گردیده است، کارمندان محابس تلاش می‌ورزند تا محل بودیباش برای هزاران نفر که برای مدت زیاد در شرایط ضعیف بسر می‌برند فراهم کنند، تخطی از معیارهای اساسی حقوق بین المللی بشر رابطه نزدیک با طرز رفتار با محبوسین دارد.

سازمان عفو بین المللی وظیفه اعمار مجدد محابس در سرتاسر افغانستان را یک چالش مشکل میداند. بی میلی به دیگرمناظرهای کلیدی سیستم عدلی جنایی تا مارچ 2003 ادامه داشت، زیرا سیستم محبس هیچ تمویلی کننده بین المللی نداشت تا پیشقدم گردد و آنرا احیای مجدد کند. 1 اداره حاضر کدام امکاناتی و یا کدام متخصصینی که سیستم محابس را مطابق به معیارهای بین المللی عیار سازد در اختیار ندارد، محبوسین برای ماه ها در سلول های بس مزدحم نگهداری می گردند. بعضی از ایشان ولچک و زولانه بوده با غذا و بستر ناکافی. کارمندان محبس ماه هاستکه معاش نگرفته و بدون کدام آموزش مسلکی میباشند. محبوسین و توقیف شده گان مصوون نمیباشند، بعضی از آنها از شکنجه روحی و جسمی رنج میبرند. عدم فند تاثیر زیادی بالای کارمندان محبس و هم چنان اشخاص تحت توقیف دارد. این ناکامی جامعه بین المللی را نشان میدهد که برای بازسازی افغانستان تعهد نمودند ولی هیچ توجهی به سیستم محابس نه نموده اند، در حالی که این سیستم رابطه مستقیم با قانون معیارهای بین المللی حقوق بشر دارد. این بر اداره انتقالی افغانستان است تا سیستم محابس را طوری بازسازی نماید تا از حقوق بشر حمایت صورت گیرد، جامعه بین المللی باید کمک های مالی اساسی را و حمایت های تخصصی و متخصصین ضروری را برای این وظایف فراهم نماید.

در مارچ 2003 محابس از وزارت داخله به وزارت عدلیه انتقال نمود، این انتقال یک فرصت مهمی را برای یک سیستم جدید فراهم می‌کند که بر اساس معیارهای بین المللی اعمار گردد. کمک کننده گان بین المللی باید وزارت عدلیه را تا جایی حمایت کنند که سیستم محابس را طور بازسازی نماید که در تمام سطوح حقوق بشر را احترام کند.

سازمان عفو بین الملل بالای بازسازی سیستم محبس تاکید می‌نماید، زیرا با قانون معیارهای بین المللی حقوق بشر ارتباط داشته و اداره انتقالی افغانستان آنرا بحیث یک اولویت قرار داده که با حمایت جامعه بین المللی انجام پذیر است. یک سیستم عدلی جنایی فعال که حامی قانون و معیارهای بین المللی است باید بطور موثر با تمام بخش های مربوطه اش فعالیت نماید که عبارت است از پولیس.

## پاورقی

1- در مارچ 2003 که اداره محبس از وزارت امور داخله به وزارت امور عدلیه پیوست دولت ایالتی که یگانه تمویلی کننده عدلیه در افغانستان بود بحیث تمویلی کننده محابس نیز پیشقدم گردید.

محبس و محکمه میباشند، تا زمانی که اصلاحات اساسی و مقدم درین سیستم صورت نمی گیرد، این سیستم هیچگاه موفق نخواهند شد.

این گزارش اسنادی را ارایه میدهد که آتهایی که در سیستم محابس فعالیت می نمایند قادر نیستند تا حقوق تمام توقیف شده گان و محبوسین را رعایت نمایند. اول باید به منابع چون آموزش توجه نمود قبل از آنکه به شرایط محابس توجه کرد. درین سند نمونه های شکنجه روحی و توقیف های خودسرانه را ارایه خواهد نمود قبل از آنکه به اداره انتقالی افغانستان و جامعه کمک کنند، پیشنهاد ارایه کند.

## سازمان عفو بین الملل در افغانستان

این گزارش دومین گزارش است که سازمان عفو بین المللی از جمله چهار گزارش در جریان پروژه یکساله شان ارایه نمودند، که تمرکز بالای بازسازی سیستم عدلی جنایی در افغانستان نموده بود، سازمان عفو بین الملل یک نماینده گی اشرا در کابل در جون سال 2002 ایجاد نمود تا بتواند تحفظ و ارتقاء از

حقوق بشر را در تمام امورات احیا و بازسازی نماید. 2. یک متخصص در مورد محابس به نماینده گی دفتر ما در افغانستان در ماه سپتامبر 2002 پیوست و تحقیقات اش تا نوامبر 2002 ادامه داشت و به تعقیب آن تحقیقات بیشتر در ماه های اپریل و می 2003 نیز جریان داشت. در جریان این مدت هئیات سازمان عفو بین المللی تحقیقاتی را در افغانستان انجام دادند که شامل ولایت های بلخ، بامیان، هرات، هلمند، کابل، کندهار و ننگرهار بود.

سازمان عفو بین المللی از همکاری های همه جانبه ای که توسط کارکنان محبس قوماندانان پولیس و دیگرمقامات، بخصوص فراهم نمودن تسهیلات و دسترسی به مراکز توقیف در کشور بدست آورده اظهار سپاس می نماید. آزادی ای که به ما داده شده بود تا از توقیف گاه ها و محابس دیدن نماییم و با توقیف شده گان مصاحبه نماییم، سازمان عفو بین المللی از فرصتی که توانست با مقامات دولت انتقالی افغانستان، ملل متحد، کشورهای کمک کننده و سازمان های ملی و بین المللی غیر دولتی و مقامات محبس با قدردانی یاد می نماید. در این گزارش در مورد مشکلات انعکاس داده و پیشنهاد ها به امیدی ارایه شده تا سهم مثبت خویشرا برای تحفظ حقوق بشر در حال و آینده افغانستان اداء نموده باشد.

## 2. پس منظر

### 2.1. پروسه انتقالی 3

در نوامبر 2001 امریکا عملیات نظامی را در افغانستان رهبری نمود که منجر به شکست حکومت طالبان گردید که مسوول تخلفات شدیدی از حقوق بشر به شمول حقوق زنان بودند. در دسامبر 2001 ملل متحد نشستی را در جرمنی پلان نمود که در نتیجه آن به توافقات دست یافتند در مورد تدارک برای ایجاد یک اداره دایم حکومتی در افغانستان (توافقات بن). در توافقات بن یک دوره انتقالی شش ماهه را برای آماده سازی لویه جرگه اظطراری ایجاد نمود که به تعقیب آن یک دوره 18 ماهه ای را ایجاد کرد که منجر به لویه جرگه و قانون اساسی می گردد.

### پاورقی

- 2- اولین گزارش را که سازمان عفو بین المللی ارایه نموده بود در مورد افغانستان: بازسازی پولیس برای تحفظ حقوق بشر ضروریست (AI Index: ASA11,03,2003) جزئیات بیشتر در مورد گزارش های در مورد اداره عدلیه و دبسترسی زنان به عدالت به زود ترین وقت ارایه خواهد شد.
- 3- به گزارش های ibid نوشته 2 برای جزئیات پسمنظر سیاسی در افغانستان.

لویه جرگه اضطراری در جون 2002 دایر گردید که در نتیجه آن اداره انتقالی افغانستان به سرپرستی حامد کرزی ایجاد گردید و لویه جرگه قانون اساسی در اکتوبر سال 2003 دایر خواهد شد و روی تسوید قانون اساسی توسط کمیسیون تسوید قانون اساسی ارایه خواهد شد که طبقاً پروسه های زیادی برای مشاوره را در بر خواهد داشت. تحت همین توافقات بن انتخابات سراسری در نظر گرفته شده است که باید تا ماه جون 2004 بوقوع پیوندد.

مداخله جامعه بین المللی در افغانستان در سال 2001 منجر به یک تعهد برای بازسازی افغانستان گردید. در جنوری 2002 کشورهای جامعه بین المللی در کنفرانس توکیو به این موضوع موافقت نمودند تا مبلغ چهار و نیم ملیارد دالر امریکایی را برای بازسازی افغانستان در ظرف پنج سال بپردازند. بخاطر کمک های مزید، کنفرانس دیگری در اسلو دایر گردید، ولی نگرانیهای وجود دارد که برای رسیدن پول وقت زیادی را در بر خواهد گرفت. حکومت مرکزی نیز بارها ابراز نگرانی نموده است که این مبلغ برای کمک های عاجل در نظر گرفته شده تا به بازسازی دراز مدت.

### 2.2. مسوولیت های قانونی بین المللی

افغانستان بسیاری از قطعنامه های حقوق بشر امضا نموده است از جمله:

- کنوانسیون بین المللی برای حقوق ملکی و سیاسی (ICCPR)

- کنوانسیون ضد شکنجه و دیگر مظالم، رفتار های ضد کرامت انسانی و یا جزا (کنوانسیون ضد شکنجه)
- کنوانسیون منع همه اشکال تبعیض بر علیه زنان
- کنوانسیون حقوق طفل

این قطعنامه ها امضا شد. افغانستان مکلف است که منحنی یک موضوع قانون بین المللی حقوق اشخاص در توقیف را تامین نماید، هرگاه آنها توقیف شده گان منتظر به محکمه هستند و یا محکوم شده گان، بخصوص حقوق اینکه نباید مورد توقیف خودسرانه قرار گیرد و حق اینکه نباید شکنجه گردند و یا دیگر اشکال شکنجه روحی و جزا، زنان و اطفال در حبس باید تحت محافظت خاص قرار گیرند.

در اینجا معیارهای زیادی در مورد توقیف وجود دارد که شامل گروپ اصول برای تحفظ تمام اشخاص که تحت هر نوع توقیف و یا حبس قرار دارند معیارهای قوانین اصغری برای رفتار با زندانیان و قوانین برای تحفظ نو جوانان محروم شده از آزادی می باشد. این معیار ها توسط جامعه بین المللی و گروپهای مختلف ملل متحد و تمام دولت ها بطور کامل قابل اجرا است.

سازمان عفو بین الملل سیستم عدلی را در افغانستان بحیث سیستمی که در طول 25 سال جنگ کاملا از بین رفته شناخته شده است و شاید این امکان پذیری نباشد که همه معیارهای بین المللی در مورد سیستم محابس عبالتا مورد اجرا قرار گیرد ولی این مهم است که در چوکات کاری معیارهای بلند تر را در آینده در نظر گیرند.

### 2.3. شرایط اجتماعی و اقتصادی

افغانستان یکی از فقیر ترین و کمترین انکشاف یافته کشورهای دنیاست. در حالی که بیشترا ساحت این مملکت بر اثر خشکسالی پنج ساله از بین رفته، کمبود آب یکی از مشکلات حاد در بسیاری از اجتماعات می باشد که با از دست دادن حیوانات و زراعت بیش از پنج سال است که ادامه دارد. دختران خانواده های فقیر بطور مرتب در سنین خیلی پائین بخاطر فقر اقتصادی مجبور به ازدواج می گردند. بسیاری از اجتماعات غیر قابل دسترسی می باشند. سفر نمودن به مناطق ده نشین نزدیک، روزها و شایدهفته را بخاطر سفر بدانجا در بر گیرد البته در فصل تابستان، زیرا این کار در فصل زمستان ناممکن می باشد. حفظ الصحه ایگانه مشکلی است که بسیاری نقاط به آن دچار اند در مناطق ده نشین، البته در شهرها نیز سطح حفظ الصحه ای که در دسترس قرار دارد خیلی پائین و ناچیز است. اسهالات، قابل جلوگیری بوده و امراض قابل علاجی چون توبرکلوز، ملاریا و کولرا بیشتترین میزان مرگ و میر را در بر دارند. بلند ترین سن زنده گی میان مردان و زنان پائین ترین سن در دیگر کشورها می باشد، میران مرگ و میر زنان در وقت زایمان بلند ترین سطح در جهان است. از جمله 144.76 تولدات فقط 1000 تن مادران زنده میمانند. بی سوادگی یک امر شایع بوده بخصوص در میان زنان 51% و برای مردان 21% می باشد. افغانستان یکی از کشورهای جهان است که بیشترا ماین ها را در خود دارد و حدود 200 نفر ماهانه از اثر ماین ها جان شانرا از دست می دهند.

### 2.4 قانونیت محابس

محابس در افغانستان یک تاریخ طویل از سوء استفاده هادارد، سازمان عفو بین الملل بارها از وضعیت زندانها و توقیف گاه ها در افغانستان ابراز نگرانی نموده است. به شمول گزارشات شکنجه و ظلم، رفتارهای تحقیر کننده و ضد انسانی و جزاها، 6 در جریان دودیم دهه، محبوسین در توقیف گاه های بس مزدحم نگهداری گردیده و از تسهیلاتی چون غذای کافی، محل خواب ودسترسی به تشناب و حمام محروم بوده اند. حبس نمودن بحیث یک وسیله سیاسی برای مخالفین سیاسی انجام پذیرفته است.

سازمان عفو بین المللی تا همین اواخر به محابس هیچ دسترسی نداشت، ولی گزارشاتی از شکنجه های روحی و شرایط نامناسب در طول 20 سال بدست آورد. در زمان حکومت سردار داود، هزارها تن از محبوسین سیاسی بدون محاکمه در حبس بودند هزارها تن از محبوسین بین سالهای 1978-1979 به قتل رسیدند. زمانی که در سال 1980 سازمان عفو بین المللی از کابل دیدن نمود. قتل هزارها نفر از توقیف شده گان و استفاده از شکنجه های روحی خیلی شایع بود. وضعیت توقیف گاه ها در آن زمان خیلی سخت بود، در بعضی قضایا درنگ

می‌گردید، ولی بعضی‌های دی‌گر در محبس بعلت از دحام زیاد و دی‌گر عدم تسهیل برای مدت زیاد باقی می‌ماندند.

### پاروقی

4- سن تقریبی مرگ میان مردان 97-46 سال و میان زنان 47-45 سال می‌باشد.

ماخذ: CIA the world factbook 2002 .

I bid -5

6- به بخش inter alia سازمان عفو بین المللی افغانستان، شکنجه محبوسین سیاسی ( AI Index: ASA ii/04/86 ) همچنان سازمان عفو بین المللی افغانستان : جزایای تحقیر کننده و ضد انسانی و دی‌گر مظالم ( AI Index: ASA 11/15/99 ).

شکنجه و دی‌گر اشکال روحی یک مسله رایج، بخصوص در محبس پلچرخ بود که فقط خارج از کابل قرار داشت و سازمان عفو بین الملل فقط در همین اواخر اطلاع حاصل نمود در حالی‌که گنجایش 3000 محبوس را داشت حدود 30.000 محبوس را جابجا نموده بودند. این محبس در زمان حکومت کمونیست ها مخوف ترین محل از لحاظ اعدام های بدون محکمه، شکنجه، ظلم و رفتارهای تحقیر کننده به شمار می‌رفت، توقیف شده گان برای سالها بدون ارتباط با دی‌گران بسر می‌بردند. شرایط صحتی نهایت بد بوده و اکثریت محبوسین اصلا لباس هایشان عوض نمی‌شد، شرایط توقیف در دی‌گر محابس چون غزنی، قندهار، جلال آباد و مزارشریف شبیه بر آن بوده. بسیاری از محبوسین دوشک و بالشت نداشتند. سلول ها در فصل گرما، گرمای کشنده داشت و در فصل سرما هم چنان، بدون هیچ سیستم گرم کننده در زمستان. سلول های خفه و حفظ الصحة ضعیف، یکی از دلایل اولیه برای بروز امراض انسانی بود.

بین سالهای 1995 – 1992 که قوماندانان مختلف در نقاط مختلف، افغانستان را تحت اداره داشتند، سازمان عفو بین المللی گزارش های را از شرایط شبیه تقریباً در تمام زندانها بدست آورد که توسط این گروه ها اداره می گردیدند.

با آمدن طالبان در بسیاری نقاط کشور، راپورهای شکنجه جسمی و روحی بدست آمد و در وضع محبوسین هیچ انکشافی صورت نگرفت. سازمان عفو بین المللی با بسیاری از محبوسین مصاحبه نمود، آنها گفتند که مرتباً مورد لت و کوب قرار می گرفتند.

در حکومت طالبان، محبوسین سیاسی را بین سالهای 2001-1996 دستگیر می نمودند و ظاهراً این مخالفت ها به دلیل مخالفت صلح جویانه آنها بر علیه طالبان بود که اکثریت نقاط افغانستان را در کنترل داشتند. محبوسین سیاسی و یا چریک های مسلح (نظامی) در قندهار نگهداری می گردیدند، یک محبس چندین هزار محبوس قرار داشت.

بعضی از زندانیان مجبور به کار در ساختمان بخش های جدید برای زندانیان تازه وارد می شدند. بعضی از زندانیان از خستگی مغرط و یا از لت و کوب محافظین زندان فوت کرده اند. کمبود غذا چیزی بود که محبوسین را تهدید به گرسنگی های شدید می نمود، در حالی‌که بیشتر از محبوسین نمی‌توانستند برایشان غذای اضافی خریداری نمایند. بیشترین محبوسین بطور متواتر مورد شکنجه قرار می گرفتند. سازمان عفو بین الملل هم چنان گزارش های از قتل در محبس بدست دارد. شرایط شبیه به این از دی‌گر گوشه های افغانستان نیز وجود داشته است به شمول، کابل، شبرغان، مزارشریف، قلعه جنگی و میمنه است. زمانی‌که طالبان کنترل بالای بسیاری نقاط افغانستان را در دست داشتند، گزارشهای در مورد وضعیت بد و مخوف مراکز توقیفی نیز در دست رسیده توسط قوای ضد طالبان اداره می گردید.

### 3. اداره امروزی محابس

افغانستان 32 ولایت دارد که نظر به تقسیمات فرعی به ادارات ولسوالی ها تقسیم گردیده. مطابق به قانون محابس و زندانها در افغانستان، که در حال حاضر قانون ملی قابل اجراست، هر مرکز ولایت باید یک محبس و

یک توقیف گاه داشته باشد. هر مرکز ولسوالی باید یک توقیف گاه داشته باشد. توقیف گاه ها تحت صلاحیت پولیس می باشد که مربوط به وزارت داخله اند. محابس تحت صلاحیت وزارت عدلیه می باشد. در بسیاری ولایات زندانها در حالی قرار دارند که نمی شود هیچ زندانی را در آن نگهداشت.

پولیس بعد از دستگیری صلاحیت دارد تا برای 72 ساعت شخص را به صلاحیت خود نگهدارد. بعد از آنکه آنها را به حضور قاضی بی اورند مسوولیت سیستم محابس می باشد. تحت قانون بین المللی، مضمونین توقیف شده باید بلا درنگ به حضور قاضی فرا خوانده شوند تا قانونی بودن توقیف آنها هویا گردد. 7 در حال حاضر اشخاص برای ماه ها بدون آنکه به قاضی و محاکمه دسترسی داشته باشند نگهداری می گردند، که می تواند نتیجه آنکه مسوولیت توقیف گاه بدست پولیس است ولی برای مدت طولانی بدون کدام نظارت عدلی نگهداری می گردند. این مخصوصا در مورد مناطق دور افتاده صنف می کند.

### 3.1 انتقال ریاست محبوسین به وزارت عدلیه

"ما نمی خواهیم که مسوول اداره نمودن محابس به روشی باشیم که آنها همانطور آنرا نگهداشته اند" وزیر عدلیه در می سال 2003 در یک نشست با تمویل کننده گان بین المللی ابراز داشت که سازمان عفو بین المللی و دفتر یونما نیز حضور داشت.

زمانی که آقای علی احمد جلالی مسوولیت وزارت امور داخله را در جنوری 2003 عهده دار شد. وی شروع به بازسازی وزارت داخله نموده قسمتی از این بازسازی انتقال وظیفه محبس از تحت قیادت پولیس بود. به تعقیب پی شنهادات تمویل کننده گان بین المللی، یک تصمیم اتخاذ شد که محابس بطور کامل از وزارت داخله به وزارت عدلیه انتقال یافت.

یک کمیسیون مختلط ایجاد شد به شمول مقاماتی از وزارت خانه های داخله و عدلیه و سه نفر از منخصصین بین المللی در امور محابس، نماینده یونما در امور دارالتادیب، دفتر ملل متحد برای مواد مخدر و جرایم (UNDDC). تخصصین سازمان اصلاحات جزایی و یک متخصص از حکومت ایتالیا. در 13 مارچ 2003 تحت یک فرمان ریاست جمهوری اساسات قانونی را برای انتقال ریاست محبس به وزارت عدلیه که به پیشنهاد این کمیسیون صورت گرفته بود صحبت نمودند. 8

در اپریل 2003 بعد از نشر فرمان. پلان اتخاذ گردید تا یک کمیسیون مختلط دومی ایجاد گردد و روی اجراءات عملی این انتقال صحبت نماید. بهر صورت در می 2003 این کمیسیون ایجاد نشد و هیچگونه عملی برای انتقال صورت نگرفت. یک مقام ملل متحد به سازمان عفو بین الملل گفت که در قسمت سیستم محابس "این دوباره بر جای اولش" نگرانیهایی وجود دارد که وزارت داخله بخواهد بطور عاجل از سیستم محابس شانه سبک کند. در حالی که وزارت عدلیه هیچگونه پلان کاری برای بازسازی محبس و کمبود پرسونل با تجربه و کاردان روبرو است تا بتواند یک سیستم محبس کافی را بازسازی نماید که بتواند معیارهای حقوق بشر جهانی در آن تطبیق گردد.

هیچ استراتژی برای انتقال این برای یک اداره محبس درازمدت وجود ندارد. چندین منبع فشار وارد آورده تا بعضی مسایل بایده جدی گرفته شود به شمول آموزش کارمندان، معاشات، بازسازی ساختمان و مواد تجهیزات.

عمل کامل اشتراک برای انتقال بطور نامعلوم باقی ماند و هنوز نامعلوم است که چی کسی مسوولیت اجرا آنرا در سراسر کشور اتخاذ می کند. در خارج از کابل، یک باخبری جزئی از این انتقال وجود دارد. بطور مثال، در می 2003.

### پاورقی

- 7- ماده 9 (3) کنوانسیون بین المللی برای حقوق ملکی و سیاسی (ICCPK) .  
8- فرمان رئیس جمهور بتاریخ 31-03-2003. ماده (1) ادارات محبس و توقیف گاه ها در ولایات و مرکز با تشکیلات فعلی آن، بودجه و کارمندان آن باید از وزارت داخله مجزا گردیده و باید متعلق به وزارت عدلیه گردند. یکی از قوماندانان محبس مرکزی افغانستان در مورد این انتقال هیچ نمی دانست. وی گفت که هیچ اطلاعاتی درین مورد بدست نی آورده است که خط گزارش دهی ایشان تغیر کرده است. در یک سی می ناز



آموزشی اخیر که توسط سازمان اصلاحات جزایی براه انداخته شده بود سازمان عفو بین الملل عدم آگاهی را در مورد انتقال بخصوص چرا واقع شده در میان مقامات محبس مشاهده نمود و مقامات محابس هیچ گونه اطلاعاتی را درین باره بدست نیاورده اند. حتی آنها اینرا درک نمی کنند که بیشتر ازین مامورین پولیس نخواهند بود و این عمل برای آن صورت گرفته که محبس را از کنترل پولیس خارج سازند و هدف از این کار جدا سازی سیستم محبس و پولیس از همدیگر است. این جابجای اینرا اجازه خواهد داد که در مورد جرایم که توسط کارکنان محبس صورت میگیرد تحقیق شود، خطرات شکنجه تخفیف یابد که منحصراً یگانه عامل دست یافتن به اعتراف از آن در محبس ها استفاده می شود.

سازمان عفو بین المللی از فرمان رئیس جمهور قدردانی به عمل آورده است و آنرا منحصراً یک اقدام به سمت درست خوانده که باید با پلان سازی دقیق و غور تعقیب گردد که این انتقال چی عواقب دارد، سازمان عفو بین المللی تاکید بر آموزش کافی، وقت و تبادل تجارب متخصصین از سراسر دنیا دارد تا آماده گی شانرا به این انتقال نشان دهند، این مسله حدس زده شد که با این انتقال فرصتی برای اداره انتقالی افغانستان خواهد بود تا یک سیستم محس جدیدی را اعمار نماید که با حقوق و معیارهای بین المللی بشر هماهنگ باشد و آنرا از اعمال منفی گذشته جدا نماید. بهرحال اگر این موضوع موفق گردد جامعه بین المللی باید تعهد دراز مدت نمایند تا این اصلاحات را کمک نمایند.

### پیشنهادات

#### دولت اسلامی انتقالی افغانستان با کمک جامعه بین المللی باید :

- یک پلان انکشافی برای اصلاح محبس، این پلان باید ضروریات تمام کشور را در بر گیرد نه آنکه فقط بالای کابل تمرکز صورت گیرد.
- کمیسیون مختلط ایجاد گردد تا بالای اجراءات عملی انتقال کار نموده و یک سیاست مستحکم حق بشر را در مورد محبس انکشاف دهد. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، وزارت داخله، وزارت عدلیه و متخصصین مستقل نیز بحدیث اعضای کار نمایند.
- ایجاد یک ضرب العجل برای اشتغال مسوولیت محابس که باید کاملاً صورت گیرد. نظارت صورت گیرد تا از انتقال بروقت ضرب العجل مطمئن گردد.
- دول تمویل کننده با متخصصین در ایجاد تسهیلات توام با تحفظ قانون حقوق بشر و معیارهای آن باید درین پلان شرکت نمایند.

#### 3.2 مرکز برعکس ولایات

حکومت مرکزی کمی قدرت در خارج از کابل دارد جائی که قوماندان های منطقوی، بعضی از آنها رسماً با حکومت همکاری بوده اند که این همکاری یک موثریت خاص برای پلان خود آن قوماندان ها را در بردارد. در 13 می 2003 اسماعیل خان والی هرات، حدود 60 نفر افرادی را رها ساخت که مظنون بودند که با قوای طالبان همکاری می کردند. اینکار بدون امر دولت مرکزی صورت گرفت. تصمیم در مورد توقیف نباید به شکل خود سرانه صورت گیرد. در آنجا باید همیسه به حدیث اولوویت قضایا توسط قضای بررسی گردیده که در آن افراد در حدود قانونی قرار میگیرند بدون آنکه در مقابل قضای آورده شوند و یاهم تصمیم در مورد قضایای شان گرفته شود. هر شخص که بدون شاهد و گواه متهم به ارتکاب یک جرم است، باید فوراً رها گردد. تمرکز بالای منابع در کابل باعث از بین رفتن قدرت انکشاف و بازسازی در خارج از کابل میگردند، زیرا قوماندان محابس ولایت بخاطر این موضوع همیسه ناراحت اند. بازسازی محبس مشهور پلچرخ کابل که در 20 کیلومتری شهر قرار دارد. بازسازی محابس ولایات را قسماً به خطر مواجه میسازد.

زندان پلچرخ در سال 2001 زمانی که طالبان افغانستان را ترک نمودند منهدم گردیده و مورد چور و چپاول قرار گرفت، در حال حاضر محبوسین در محبس ولایت کابل نگهداری می گردند ( اداره ولایتی کابل) که فقط یک توقیف گاه دارد نه محبس. پلان ها طوری ترتیب گردیده بود که فقط دو بلاک آن محبس اعمار شود که گنجایش 800 نفر محبوس اناث و ذکور را دارد. وزارت امور داخله کار ساختمانی محبس را بر عهده گرفت که در وقت انتقال اینکار نمیه تمام رها گردید. در ماه می 2003 وزیر عدلیه یک جلسه ائیرا با کشورهای تمویل کننده پلان نمود و در آن جلسه روی پلان انتقال محبوسین از توقیف ولایت کابل به پلچرخ صحبت شد.

این یک اقدام بود تا جامعه بین المللی را نیز در روشنی عمل سیستم محبس قرار دهد. در وقتی که زندان آب و برق ندارد، نه آشپزخانه دارد و هیچ موادی برای پروگرام هی احمای مجدد محبوسین وجود ندارد. سازمان عفو بین المللی نگرانی اش را ابراز نموده و گفته است که تازمانی که دو بلاک پلچرخ بازسازی نگردد و معیارهای اصغری حقوق بشر در آن تامین نگردد مانند محل بودوباش، حفظ الصحه و غذا، این انتقال نباید صورت گیرد.

بسیاری از مقامات محبس گفته اند که هر گاه محبوسین بیش از پنج سال حبس می گردد از دیگر ولایات باید به زندان پلچرخ انتقال یابند، این موضوع بر نگرانیهای سازمان عفو بین الملل میافزاید. این عمل شاید باعث آن گردد تا محبوسین از ملاقات اعضای فامیل شان محروم گردند، که یکی از حقوق محبوسین تحت معیارهای بین المللی به شمار می رود و این ملاقات ها کلیدی در احمای مجدد و بازسازی محبوسین به شمار می رود در زمان رهای.9

بسیاری از محبوسین و توقیف شده گان از لحاظ غذا وابسته به اعضای خانواده میباشند و هم از لحاظ لباس، رختخواب (لحاف و دوشک) و دادن معلومات در مورد قضیه ایشان، بر علاوه با چنین حرکتی، کار عاجل بازسازی که در ولایات ضروری پنداشته می شود انجام نخواهد گرفت. تمرکز بالای پلچرخ نباید این امکان را از دیاد بخشد محاسبی که برای اکثریت محبوسین در ولایات که برای کمتر از پنج سال محکومیت یافته اند و یا بسیاری توقیف شده گان که برای ماه ها منتظر محاکمه میمانند. زمانی که سازمان عفو بین المللی از محبوسین سوال کرد که آنها چطور فکر می کنند، اگر آنها به پلچرخ انتقال یابند هیچ یکی از آنها راضی به این انتقال نبود. و اینرا درک می کردند که بعد از چنین انتقال این به خانواده های آنها ناممکن خواهد بود تا از آنها دیدار نمایند.

#### پیشنهادات

دولت اسلامی انتقالی افغانستان با کمک جامعه بین المللی باید :

- هیچ محبوسی به زندان پلچرخ انتقال نیابد، تا وقتی که شرایط آن مطابق به معیارهای اصغری بین المللی نمیباشد.

#### پاورقی

9. گروه اصول برای تحفظ تمام اشخاص که تحت همه نوع توقیف و یا حبس قرار دارند (گروه اصول) اصل 19

- از پروگرام های انکشافی برای احمای مجدد محبوسین در محبس پلچرخ.
- بازسازی آشپزخانه برای فراهم آوری غذای مناسب برای کارمندان محبس و محبوسین.
- تمام محبوسین باید به آب کافی و روشنی دسترسی داشته باشند و روشنی باید به تمام نقاطی باشد که توسط محبوسین مورد استفاده قرار میگیرد.
- توجه خاص به ضروریات محابس خارج از کابل مبذول گردد. منابع باید در دسترس محابس ولایات بحیث اولویت قرار گیرد.

4. سیمای محبوسین

4.1. مردان در توقیف

مردان برای جرایم مختلف در حبس بسر میبرند به شمول قتل، دزدی و جرایم جنسی و اخلاقی. بر علاوه بعضی از زندانها بخش جداگانه بنام محبوسین سیاسی نیز دارند. که متهم بر بودن عضو طالبان و یا القاعده میباشند. در محبس شبرغان و مرکز جوزجان در شمال افغانستان بیش از 1000/ نفر از اعضای مشکوک طالبان و القاعده نگهداری میشوند. در ماه فبروری 2002، دوکوران برای حقوق بشر گزارش دادند که به علت

از دحام بیش از حد، مریضی های گسترده در اثر کمبود آب و غذا درین محبس می باشد 10. کمیته صلیب سرخ ازین محبوسین دیدار نموده و برای شان کمپل و دیگر ضروریات فراهم نمود.

#### 4.1.2. معتادین

"ما معتاد هستیم و می خواهیم به شفاخانه برویم جهت تداوی" این را یک معتاد به هیروئین در توقیف خانه کابل در ماه نومبر 2002 گفت.

سازمان عفو بین الملل از چندین محبس دیدن نمود که در آن معتادین را نگهداری می نمودند. بیشتر اوقات در اثر فشار و راپور عضو فامیل آنها به محبس انداخته می شوند تا ترک اعتیاد نمایند. آنده معتادان که توسط خانواده ها معرفی گردیده اند، متهم به کدام جرمی نمی باشند، آنها تا زمانی در توقیف نگهداری می گردند که مقامات فکر کنند آنها تداوی شده اند. معتادان باید به مراکز بازسازی فرستاده شوند، در جائی که آنها را تداوی نموده و از توقیف خود سرانه آنها جلوگیری به عمل آید.

در محبس هلمند، جنوب افغانستان، 11 نفر بخاطر اعتیاد شان در محبس نگهداری می گردیدند که توسط سازمان عفو بین المللی ملاقات شدند. کارمندان محبس هیچ تخصصی طبی نداشته و نه هم آموزش مخصوص دیده اند تا معتادان را بتوانند کمک کنند. دریک محبس که سازمان عفو بین المللی دیدن نموده بود، قوماندان محبس سعی می نمود تا یک معتاد هیروئین را تداوی نماید. وی به سازمان عفو بین المللی گفت که "اگر بدانم شخص معتاد است برای 20 روز بالایش آب سرد می ریزم" و این را امکان رهایی از هیروئین میداند. این موضوع یک ظلم ضد حیثیت انسانی بوده و چنین جزا هیچگاه نباید بالای یک توقیفی انجام یابد.

#### پاورقی

9 دوکتوران برای حقوق بشر: یک گزارش در مورد وضعیت در زندان شبرغان، شمال افغانستان، 28 جنوری 2002.

#### 4.2. زنان در توقیف

"چنین به نظر میرسد که این زنان هیچ دسترسی به وکیل نداشته و از حقوق شان آگاهی ندارند. زنان تا زمانی در حبس باقی میمانند تا اعضای فامیل محترم شان مداخله کند. حیرت آورتر از همه در تحقیقات من این بود که هیچ اساس قانونی را برای توقیف آنها نیافتیم. حتی خانم حقوقدانی که در وزارت امور زنان ریاست حقوق کار می نمود از حقوق زنان آگاهی نداشت و نامطمین بود. 11"

صد ها دختر و زن در محابس سراسر کشور نگهداری می گردند، بسیاری آنها به علت تخطی های اجتماعی و رفتار مذهبی می باشد. 12 دختران 13 ساله با زنان 70 ساله یکجا نگهداری می گردند. اکثریت عمر دختران و زنان در حبس را بین سنین 18-25 ساله تشکیل میدهد. مانند مردان و پسران خورد سن برای ماه ها در محابس سراسر کشور نگهداری می گردند، بدون اینکه قانونی بودن این نوع توقیف ها توسط قاضی تعیین گردد. زنان اکثرا در همان عمارت اصلی محبس نگهداشته می شوند، بجای آنکه در ساختمان جداگانه ای بسر برند.

آقای کرزی بحیث اولین فرمان ریاست جمهوری در نومبر 2002 رهایی زنان را اعلام نمود. مطابق به آن فرمان 20 نفر زن بخاطر فرار سیدن ماه مبارک رمضان رها گردیدند. بهر حال، این موضوع نگرانی ها را در میان جامعه بین المللی افزایش داد. بسیاری از زنان بجرم فرار از منزل در حبس بودند که بعد از رهایی بعلت این عمل بخانه بازگشت نمی توانستند. در نتیجه این رهایی، یک زن توسط عضو خانواده اش به قتل رسید و دیگری جایی نداشت تا بدانجا پناه برد. یک زن دیگر نیز توسط آقای کرزی مستحق این رهایی شناخته شده بود ولی بنابه دلایل نامعلوم در توقیف باقی ماند. این عمل مستوجب ساختن "خانه امن" برای زنان می باشد.

#### 4.3. اطفال در توقیف

اطفال طبق معیارهای بین المللی از حقوق مخصوصی برخوردارند. قوانین معیارهای حد اقل برای اداره عدلی نوجوانان (قوانین پیکی‌نگ). در افغانستان یک علمیت اساسی وجود دارد که تحفظ مخصوص و یک همراه که بتواند طفل را از بزرگ سالان جدا سازد. بهر حال، رفتار آن شبیه به هم است. در ولایت هلمند، اطفال در بخش جداگانه نگهداری می گردند ولی دی‌گر محابس از نبود تسهیلات جداگانه دچار مشکل اند و اطفال دارای یک اطاق جداگانه در تعمیر عمومی می‌باشد.

کار در کابل جریان دارد بخصوص در قسمت اطفال در دی‌گر قسمت های کشور، اطفال در همان شرایطی بسر می‌برند که بزرگسالان اند. در عین زندان، توجه باید به حقوق اطفال در سراسر کشور انداخته شود.

معیارهای بین المللی تقاضا دارد که اطفال متهم باید از بزرگسالان جدا باشند و قضایای آنها بطور عاجل باید به محاکمه مربوطه آنها ارسال و نتیجه اعلان گردد. 13

## پاورقی

11 شورای بین المللی داوران افغانستان در سیستم قانونی و در مقایسه با معیارهای بین المللی حقوق بشر نوامبر 2002.

12 سازمان عفو بین المللی در آینده نزدیکی گزارشی را در مورد دسترسی زنان به عدالت و اداره عدلی افغانستان که معلومات مزی‌دی را درین مورد ارائه می‌دهد.

13. ماده 37 (C و d) و 40 کنوانسیون حقوق اطفال

بهر حال اکثریت اطفالی که توسط سازمان عفو بین الملل مصاحبه گردیده بودند، در محبس هرات در زمانی که سازمان عفو بین الملل برای بار اول بدانجا سر زد، در آنجا حدود 18 طفل بین سنین 10-15 نگهداری می گردیدند. آنها برای 3 ماه تا یکسال در حبس بودند. فقط یک نفر از آنها محکومیت گرفته بود. بخش اطفال در حالت خیلی بد در محبس هرات قرار داشت.

در کابل، بونی‌سف با وزارت عدلیه کار نموده است تا تسهیلات را برای توقیف اطفال بوجود آورد تا از بزرگسالان جدا باشند. در اپریل 2003 یک مرکز باز برای اطفال محکوم که متهم به جرایم سبکتر هستند در کابل ایجاد شد. این مرکز غیر مسکونی بوده و اکثر مجرمین را به سوی باز پروری و برگشت دوباره آنها را به جامعه دعوت می‌کند. در زمانی که سازمان عفو بین المللی در جون 2003 ازین مرکز دیدار نمود 37 نفر از نوجوانان و چهار دختر درین توقیف گاه نگهداری می گردید. این یک حرکت مثبت بود، ولی سازمان عفو بین المللی می‌داند که باید بعضی از مشکلات حل گردد.

وزارت عدلیه تمام اطفال را از ولایت کابل به این مرکز انتقال داد. این شامل اطفالی می گردد که محکومیت شانرا در مورد جرایم شدیدی دریافت کرده اند، زیرا این مرکز منابع کافی در اختیار ندارد تا با آن برخورد نمایند. اکثریت این اطفال نیز در خود این مرکز می‌خوابند. بعضی از آنها نمی توانند توسط خانواده شان پذیرفته شوند، زیرا آنها در خانه مرتکب جرم گردیده اند.

دی‌گران جایی ندارند تا بروند، و یا بعضی ها از شهر کابل نیستند و نمی توانند همه روزه سفر نمایند. یونی‌سف نگرانی ازین دارد که بیشتر این اطفال محاکمه نگردیده اند، بدون محاکمه و یا اتهام وارده برای ماه ها باقی می‌مانند.

### 4.3.1. اطفال توقیف شده با والدین شان

در افغانستان، اطفال با وابسته گان شان توقیف می گردند، ولی در محبس هیچ حایبی وجود ندارد تا ازین اطفال مواظبت نماید. در ماه می 2003 در هرات تقریباً 30 طفل با مادران شان در محبس زنده گی می کنند. در بعضی قضایا، اطفال با پدران شان نیز نگهداری می گردند.

بهترین علایق طفل درین گونه مثالها باید در نظر گرفته شود، مطابق به ماده 3 کنوانسیون حقوق طفل. شاید در آنجا بعضی فرضیه های موجود باشد چی برای طفل خوب خواهد بود و شاید هم نظریات دی‌گری در مورد حفظ این اطفال موجود باشد که بهتر از بودن آنها در محبس می‌باشد. درین صورت خواست خود طفل نیز باید در نظر گرفته شود البته در مورد اطفال بزرگتر.

## پیشنهادات

## دولت اسلامی افغانستان به کمک جامعه بین المللی باید :

- فراهم نمودن توقیف گاه های جداگانه برای زنان و اطفال در سراسر کشور.
- راه اندازی مراکز بازپروری برای معتادین، با آموزش تخصصی برای کارمندان که چطور بتوانند برای این معتادین تحفظ های ضروری را فراهم نمایند.
- فرضیه بودن هر طفل در محبس با یکی از وابسته گان، باید از علاقه و خواست خودش در اولویت استفاده کرد.

## 5. موانع برای ایجاد سیستم محبس که بر اساس حقوق بشر باشد

"بعد از سقوط طالبان، ما یک آرزوی بزرگی داشتیم که داشتن یک آینده خوب بود. انکشافات جاری تخریبات محدودی را نشان می دهد. اینها از گفته های یکی از حارنوالان ولایت بود که با هئیت سازمان عفو بین الملل در 18 اکتوبر دیدن نموده بود.

وزارت عدلیه سیستم محبسی را عده دار گردیده که نتوانسته است حقوق آنها را در توقیف بسر می برند تامین نماید. حتی آنها را که بهترین اند مبارزه می کنند تا کار را با هیچ آموزش انجام دهند در حالی که شرایط خیلی بد و منابع محدود است.

سازمان عفو بین الملل طوری که شناخته است این سیستم نمی تواند یک شبه تغیر نماید، ولی به جامعه بین المللی تاکید می نماید که برای حمایت اداره انتقالی افغانستان در اجرای امر خطیری چون بازسازی سیستم محابس در سراسر کشور سهم فعال گیرند.

## 5.1. منابع

وزیر عدلیه در یک دیدار با سازمان عفو بین المللی، یوئیما و تمویل کننده گان بین المللی در می 2003 چنین گفت: " ما مشکلات زیادی در رابطه به زندان داریم".

زمانی که دورنمای سیستم عدلی در مقابل جامعه کمک کننده قرار گرفت، این سیستم از آغاز سال 2002 مورد حمایت جامعه کمک کننده قرار گرفت، منابع حد اقل برای محابس توسط دولت انتقالی و هم توسط جامعه بین المللی کمک کننده فراهم گردید. هم چنان در اینجا انکشافاتی وجود دارد که می شود بدون هیچ مخارجی بوجود آید، وزارت عدلیه کمک های که بتواند کار بازسازی را به شکل ابتدایی انجام دهد تقاضای کمک نموده است.

حکومت ایتالیای رهبر بین المللی در رابطه کمک به محابس بعد از آن شد که در ماه مارچ 2003 ریاست محابس صنعتی به وزارت عدلیه انتقال یافت. بغیر از این کشور هیچ کشور کمک کننده مسوولیت کمک را به عهده نگرفته است، رها نمودن این سیستم بحال خودش بدون کدام حمایت و فند برای یکسال وزارت عدلیه ناراحتی اشرا درین باره اعلام نمود که بعد از یکسال فقط یک انکشاف جزئی در بخش اصلاحات جزایی به نظر می رسد.

کمیسیون عدلی قضایی (IRC) در ماه نومبر 2002 ایجاد گردید تا سیستم عدلیه ملی را مطابق به اصول اسلامی، معیارهای بین المللی، قانونیت و عنعنات قانونی افغانها تنظیم نماید، که در همین اواخر سروی دستگاه عدلی به شمول محابس و توقیف گاه ها می باشد. 14 حکومت ایتالیای منتظر نتیجه این سروی می باشد. قبل از آنکه بخواهد این سیستم را از لحاظ فزایی بازسازی نماید و قابل فهم است که بعضی ازین تقاضاها به سیستم محابس می باشد، طبق کمیسیون عدلی قضایی پلان کاری تسوید شده سروی "شاید توسط کمیته فرعی" ارائه شده و پیشنهادات برای بازسازی و احیای مجدد پولیس و سیستم بازپروری نیز ارائه گردد.

در عین حال، در می سال 2003 سازمان ملل متحد برای مواد مخدر جرایم (UNODC) یک پیشنهادی را برای پروژه امضا نمود که این پروژه " اصلاح برای سیستم اساسی" به همکاری وزارت عدلیه که تمرکز بالای بازسازی سیستم جزایی دارند. این پروژه شش کلید اساسی دارد.

(a) اصلاحات در مقررات ملی در رابطه به قوانین و مراتب محابس

- (b) ایجاد اداره محاسب به وزارت عدلیه بحیث یک نقطه آغاز برای همه موضوعات وابسته به دارالتادیب کیفری، به شمول سیاست ملی برای زنان تحت توقیف
- (c) احیای مجدد ظرفیت محبس در کابل
- (d) بهتر نمودن شرایط توقیف خانه ها در کابل
- (e) ایجاد یک مرکز توقیف مخصوص برای زنان، مطابق و با توجه به ضروریات زنان و اطفال.

### پاروقی

14 در توافقنامه بن برای ایجاد چنین یک کمیسیون توافق گردیده بود.

بهرحال، کمک مالی برای این پروژه که دوساله خواهد بود از جولای 2003 شروع خواهد شد، فقط با 2.1 ملیون دالر امریکایی تکمیل خواهد شد. ولی این پروژه فقط کابل را در بر خواهد گرفت و بقیه کشور دست نخورده باقی خواهد ماند.

حکومت بریتانیای کمک را برای PRI که یک سازمان غیر دولتی است فراهم نمود تا سیمینار های آموزشی را در مورد سیاست محاسب در اواسط ماه جولای 2003 راه اندازی نماید. سازمان اصلاحات جزایی یک سیمینار آموزشی را برای کارکنان محبس در ماه جون 2003 راه اندازی کرد تا آماده گی باشد برای سیمینار بزرگ. گروه های کاری ایجاد خواهد شد تا پیشنهادات عملی خویشرا برای سیمینار ماه جولای ارائه دهد. این سیمینار بحیث اقدام اولیه ولی حمایت های هماهنگی از طرف جامعه بین المللی از دیاد شده و ضرور است تا پیشنهادات عملی را که میتواند در درازمدت اجرا گردد تامین نماید. یونیهما فقط یک مشاور تمام وقت دارد که روی دارالتادیب ها کار نموده و نماینده خاص سرمنشی ملل متحد آقای لخصر براهیمی میباشد.

این نقش یک پست اداری نبوده و کاملاً مشورتی میباشد، ولی این موضوع کاملاً برای آنهاست که در سیستم محاسب در افغانستان کار می نمایند قابل درک و روشن نمی باشد. یونیهما باید نقش ایشانرا واضح نموده و از ایفای نقش های توقعات غیر واقعی که بوجود آمده است جلوگیری گردد که نمی تواند توسط یونیهما ایفا گردد.

خارج از کابل، هیچ کمکی از طرف حکومت مرکزی فراهم نگردیده، کمیته بین المللی صلیب سرخ و انجوب ای تالی های ایمرجنسی یک مقدار مساعدت های محدود را برای زندانیان سراسر کشور فراهم نموده، با یک توجه خاص برای زندانیان سیاسی. مزار شریف و هرات در سطح خیلی پائین بازسازی گردیده اند و آن به علت داشتن گمرگ و آمدنی گمرکات و دیگر مفادات منطقوی است. یک انجو در هرات به سازمان عفو بین الملل گفت: علایق ملی خیلی بزرگ است، و فندهای جمع آوری میگردد برای تقوی منطقوی. که این موضع پایه های حکومت مرکزی را متزلزل نموده و قدرت تاثیر گذاری اش بالای ولایات کم میسازد.

### پیشنهادات

اداره انتقالی افغانستان به کمک جامعه بین المللی باید:

- منابعی را فراهم نمایند که تا محاسب بتواند مطابق به شرایط معیارهای بین المللی اعمار گردد و توجه خاص به محاسب خارج از کابل پرداخته شود.
- عمل عاجل و موثر مطابق به یافته های کمیسیون عدلی قضایی از سروی که نموده اند و هر یک کمک کننده گان به روی معیارهای حقوق بشر بین المللی تاکید می نماید که در هماهنگی به خواست دیگر کمک کننده گان میباشد.

### پاورقی

ای تالی، اطریش، کانادا و بریتانیای کشور های کمک کننده استند.

## 5.2. کارمندان

استخدام افراد مسلکی، آموزش دیده و بالی‌باقت که در قانون معیارهای بین‌المللی حقوق بشر آموزش دیده‌اند و اجراءات عملی آنها برای سیستم جزایی مهم است. در برگیرنده تحفظ حقوق بشری توقیف شده‌گان است. معیارهای اصغری برای طرز برخورد با محبوسین (معیارهای قوانین اصغری) یک راهنمای واضح را برای استخدام و آموزش کارکنان محبس است. 16 تجدید نظر بر عملکرد کارکنان محبس نیز در معیارهای مسلکی، که ظاهراً در تمام عرصه وجود دارد، بخصوص در بخش محابس به چشم می‌خورد. در حالی که بعضی از کارکنان محبس در محابس قبل از طالبان کار نموده بودند، ولی هیچ‌یک از آنها آموزش در زمینه حقوق بشر ندیده‌اند.

مطابق به معیارهای بین‌المللی، در آنجا باید شفافیت در مورد نقش‌های احترام شده کارمندان محبس و پولیس می‌باشد. کارمندان محبس مسوول‌تأمین مصوونیت در توقیف‌گاه‌ها می‌باشند. پولیس‌ها مسوول اجرا قانون و تحقیق در مورد جرائم را در جامعه انجام دهد. در افغانستان تا زمانی که انتقال به وزارت عدلیه صورت گرفته بود تمام کارمندان محبس عضو قوای پولیس بوده‌اند نسبت به آنکه خدمات ملکی نمایند. 18

آنها به مشکلاتی چون عدم آموزش و منابع مواجه‌اند، قسمی که سازمان عفو بین‌المللی در گزارش‌شان در مورد افغانستان بنام "احیای مجدد پولیس برای تحفظ حقوق بشر ضروریست، و هم مجاهدین اسبق بدون کدام آموزش قبلی و تخصص می‌باشند. 19

تحت این انتقال تمام کارمندان به وزارت عدلیه انتقال خواهیم نمود و راساً کارمندان ملکی خواهند شد. این تابحال معلوم نیست که اینکار در عمل چطور انجام خواهد گرفت. رئیس ریاست محبوسین و صنایع جنرال عبدالسلام بخشی گفت "ازین به بعد به وزارت عدلیه جواپگو خواهد بود. این در حالیست که دفاتر‌شان بطور فزایی در وزارت امور داخله موقعیت دارند. یک کارمند ملل متحد به سازمان عفو بین‌الملل گفت که از افسران بلند رتبه پرسش به عمل خواهد آمد که 8 کجا می‌خواهند بمانند ولی افسران پائین رتبه بلادرنگ انتقال خواهد شد. تا حال نا معلوم است که به چه تعداد مردم در حال حاضر در سیستم محابس افغانستان کار نمایند. بدین لحاظ انتقال پولیس اسبق مسوولیت کار توقیفی رای وزارت عدلیه شاید خیلی دشوار باشد. عدم تفریق میان پولیس‌های که کار توقیف را پیش می‌برند و پولیس معمولی شاید کار انتقال کارمندان را کمی دشوار سازد. درین جا خطر ظرفیتی وجود دارد. هرگاه اعضای پولیس که در حال حاضر در سیستم محبس کار می‌نمایند و علاقمندی ندارند تا قوانین مشکل پولیسی و سلاح‌های شانرا کنار بگذارند و در نقش یک ملکی کار نمایند، چی واقع می‌شود. بر علاوه شاید قوماندانان پولیس هم علاقه زیادی نداشته باشد تا به این تعداد پولیس را از دست دهد.

## 5.2.1. کارکنان اناث

تمام محابسی که زنان را نگهداری می‌کنند باید کارمند اناثی نیز داشته باشند. که مطابق به معیارهای بین‌المللی است. 20 داشتن ندارد زیادی از افراد مسلکی، خوب آموزش یافته و کارمندان اناثی که برای تحفظ حقوق زنان در توقیف مهم‌اند. در حالی که در اینجا بطور عموم کمبود افراد مسلکی احساس می‌شود، بخصوص عدم موجودیت خانم‌هایی که واقعا مسلکی باشند در زندانهای که سازمان عفو بین‌المللی دیدار نمود به مشاهده می‌رسد. کارمندان محبس در افغانستان می‌دانند که محبوسین زن باید توسط محافظین زن نگهداری گردند و در تمام محابسی که سازمان عفو بین‌المللی از آنها دیدن نموده محافظین زن موجود بودند، ولی تعدادشان خیلی کم بود. بسیاری از کارمندان اناثی را که سازمان عفو بین‌المللی ملاقات نمود هیچ‌گونه آموزش را درین رابطه ندیده بودند. در محبس مزارشریف زنان زندانی دو محافظ زن دارند، یکی از آنها افسر پولیس است که هیچ‌گونه آموزش و تجربه‌ی در زمینه ندارد. زمانی که پرسیده شد آنها چطور این وظیفه را بدست آورده‌اند، یکی از آنها جواب داد، آنها به یک محافظ زن ضرورت داشتند و من به وظیفه. در کندهار محبس مرکزی، دو زن محافظ محبس اند برای بخش اناثی که هر دوی‌شان خانم‌های "دای" قابله متقاعد می‌باشند که هیچ تجربه کیفری و آموزشی ندارند. یک تصمیم باید گرفته شود و آنها در سطح بالا تا زمانی که در بخش محبس کار می‌نمایند باید آموزش ببینند.

## 5.2.2. معاشات

تمام مجریان قانون باید بخاطر کارشان حقوق اخذ بدارند. 12 بهر حال زمانی که محبوسین اداره می گردیدند بحیث یک بخش پولیس، کارمندان محبس برای ماه ها در سراسر کشور معاش اخذ ننموده بودند. 22 در مزار شریف بعضی از کارمندان پائین رتبه محبس دست از کار برداشتند، زیرا ماه ها شده بود که آنها هیچ حقوقی بدست نیاورده اند.

نیاورده اند. اوضاع بعد از آنکه انتقال به وزارت عدلیه صورت گرفت انکشاف نیافته است. در چندین مصاحبه ای که در می 2003 سازمان عفو بین المللی انجام داد، گفتند که چندین ماه است که هیچ حقوقی برایشان پرداخته نشده است، البته از زمان انتقال. مطابق به پروگرام انکشافی ملل متحد (UNDP) کارمندان باید توسط وزارت عدلیه معاش اخذ نمایند نه توسط "صندوق قانون واحد" مسوول پرداخت برای پولیس است. بهر حال، در وقت تحقیق چنین چیزی نه در مرکز اتفاق افتاد و نه در باقی قسمت های کشور. بدون معاش هیچ دلگرمی برای انجام کار خوب وجود ندارد، یک فند الترناتیف باید جستجو گردد، برای جلوگیری از رشوه ستانی در محبس و دیگر جاها.

### پاورقی

- 16- قواعد 46- 51 قوانین معیارهای اصغری
- 17- اصل 18، اصول اساسی در مورد استفاده از قوا و سلاح گرم توسط مجریان قانون
- 18- قواعد 3، 46، 3، معیارهای قوانین اصغری
- 19- سربازان اسلام: کسانی بودند که موفقانه در مقابل حکومت حمایت شده توسط روسیه جنگیدند.
- 20- قواعد 53 "1"، 53 "3" در مورد معیارهای اساسی اصغری

محمد، شخص 27 ساله گفت که چهار ماه می شود بدون محاکمه در محبس است. ولی به سازمان عفو بین المللی گفت: " اگر پول بدهی رها می شوی" و توقیف شده دیگر توافق می کند و می گوید " من پول ندارم بخاطر همین اینجا هستم. سازمان عفو بین الملل بازها و مکررا شنید که هر کس پول داشته باشد میتواند از محبس بیرون برود. افغانستان یک کشور سرمایه دار نیست، فقیرترین طبقه جامعه شاید جرایم چون دزدی مرتکب گردند، برای آنکه برای خود و اعضای فامیل قوت لایموت تهیه کنند. بهر حال، هرگاه کسی به اتهام انجام جرم دستگیر می گردد و پول دارد، بعید است که در محبس بسر ببرد. یکی از محبوسین به سازمان عفو بین الملل گفت " مثلی که پیش یکی از {قوماندان های رشوه خوار} بوده در پوسته امذی تی، اگر پول بدهی میتوانی هر کار بکنی، اگر پول ندهی دستگیر خواهی شد."

سازمان عفو بین المللی مکررا شنید که پولیس در وقت استنطاق رشوه می ستاند، حارنوال و ریاست جنای می نیز بنوبه خود.

### پاروقی

- 21 رهنما برای اجرای کد ملل متحد برای طرز العمل مامورین مجری قانون 1989.
- 22 سازمان عفو بین الملل افغانستان: احیای مجدد پولیس برای تحفظ حقوق بشر ضروریست (AI Index:AsA 11,003/2003).

تا زمانی که منابع برای معاشات کارمندان محبس فراهم می گردد، آموزش برای معیارهای حقوق بین المللی بشر و اجراءات عمل آن داده شود و سیستم مستقل نظارت ایجاد گردد، رشوه شاید در تمام سطوح ادامه خواهد داشت.

### صفحه 36 نیست ....



**5.2.3. آموزش**

اصلاحات یک ترکیب سیستم عدلی جنایی میباشد، که یک تاثیر بزرگی بالای آزادی و آزادی های حقوق افراد دارد. بدین لحاظ کسانی که در اصلاحات شرکت دارند باید تمام حقوق بنیادی بشر را در تمام ساحه کار رعایت نمایند. 23

معیارهای بین المللی اهمیت آموزش را برای کارکنان محبس واضح ساخته، با حقوق بشر در مدت قبل از اشغال وظیفه و بعد از آنکه داخل خدمت اند میتوانند آموزش ببینند. 24 آنها هم چنان به ضروریات مشخص آموزشی در رابطه به احیای مجدد محابس اشاره نموده اند. 25 هیچ یک از کارکنان محابس افغانستان آموزش رسمی را بخاطرکار در توقیف خانه های ملکی را ندیده اند. یگانه آموزشی که آنها دیده اند همانا آموزش پولیسی است. در غیر آن اوامر ابتدایی با هیچ تدریس اضافی و یا آموزش همراه نمی باشد. در اینجا کاملا عدم آموزش حقوق بشر وجود دارد.

آموزش، با حقوق بشر بحیث یک بخش کامل، برای آنانی که در دستگاه های محابس کار می نمایند مهم است. در اینجا معیارهای جزئی وجود دارد که کارمندان محبس باید مهارت های مخصوصی را بدانند که آنها باید در انجام وظایف شان آنرا انکشاف دهند.

آموزش پولیس برای شخصی که در ادارات کیفری کار میکند کافی نمیباشد. کارکنان محبس باید بدانند که در انجام وظایف شان از آنها چی توقعی می رود.

بسیاری از آنها یکی که در سیستم محابس کار میکنند مجاهدین سابق اند که فقط تجربه نظامی دارند و این تجربه اصلا با کار در مرکز توقیف ملکی سازگار نیست. در محبس مرکزی هرات، نصف کارمندان محبس مجاهدین سابق اند که هیچ آموزشی ندیده اند. در حالی که نصف دیگر شان افسران مسلکی پولیس اند. 26 در محبس مرکزی قندهار جنوب افغانستان، نه نفر پولیس ای که در محابس کار میکنند و با 41 نفر دیگر که کارمندان محبس که از جمله مجاهدین سابق اند و هیچ آموزشی ندیده اند در محبس داری با آنها همکاری می کنند. در محبس بامیان از جمله 15 نفر ای که بحیث محافظ در محبس کر میکنند فقط 3 نفر آنها مسلکی اند بسیاری ازین مردان کوشش میکنند ولی با عدم آموزش و علمیت کمی از حقوق اشخاص در توقیف دارند.

طرز العمل برای کارمندان محبس، اگر فراهم گردد، به آنها باید یک شیوه فاقد عمومیت (ad hoc) را ارایه کرد. در انجا کوشش در سطح ولسوالی برای فراهم آوری آموزش برای کارمندان که در توقیف خانه ها کار میکنند جریان دارد. در ولسوالی غوریان ولایت هرات واقع در غرب افغانستان، نگهبانان هیچ آموزش بخصوصی ندیده اند، ولی به آنها گفته شده که محبوسین را لت و کوب ننمایند.

در ولسوالی انجیل ولایت هرات، پولیس های پائین رتبه قبل از آنکه بحیث محافظ کار کنند برای چند روز آموزش می بینند.

**پاورقی**

23 - بسوی اصلاحات انکشاف شده: یک طرز العمل ستراتیژی، مرکز بین المللی برای اصلاحات قانون جنایی و سیاست عدالت جنایی، جولای 2001.

24- قانون 47، قوانین حد اقل معیاری.

25 - قوانین 15-16، قوانین حد اقل معیارهای ملل متحد برای معیارهای غیر توقیفی.

26- استفاده از کلمه مسلکی " درین راپور بدین معناست، افغانستان برای اشخاصی اطلاق می گردد که بعضی از آموزش های پولیسی را در اکادمی پولیس کابل و یا خارج از کشور آموخته باشد.

سازمان عفو بین الملل در مورد محتویات آموزش اطلاعی در دست ندارد. در شهر هرات، سازمان عفو بین الملل شنید که همه آنها آموزش شش ماهه می بینند.

این آموزش تمرکز بالای امنیت، انتقال محبوسین، رفتار با محبوسین، قواعد و مصوونیت دارد، ولی هنوز این نامعلوم است که تا چه حد معلومات حقوق بشر در آن دخیل است.

این مهم است که کارمندان محبس آموزش های مخصوصی بگیرند تا با مسایلی حساس چون محبوسین، بخصوص زنان و اطفال در بند، رفتار نمایند، زیرا آنها قربانی جرایم چون سوء استفاده های جنسی میباشند.

سازمان عفو بین الملل دو طفلی را در محبس ملاقات نمود که سوء استفاده کننده شان را که ماه ها از آنها سوء استفاده نموده بود به قتل رسانده بودند. یک پسر 14 ساله به اسم جان محمد. وی را به یک پوسته امنیتی در اطراف شهر کابل مرکز افغانستان برده بودند. ولی برای مدت یکماه مکرراً توسط یکمرد مورد تجاوز جنسی قرار گرفت. یک روز جان محمد تفنگ ائیرا که در اطراف همان پوسته بود برداشت و فیر کرد و در نتیجه تجاوز کننده اش را به قتل رسانید. زمانی که سازمان عفو بین الملل به جان محمد ملاقات نموده بود وی کاملاً از کار افتاده و آسیب دیده بود. که چرا همچو چیزی بر وی اتفاق افتاد.

انتقال مسوولیت محبس به وزارت عدلیه باید از طریق آموزش عملی استوار بر حقوق بشر برای تمام کارکنان محبس همراهی گردد. معیارهای استخدام برای مقامات محبس و کارمندان باید به هردو مهارت که عبارت از آموزش و مهارت می باشد آراسته گردند و تا جایی هم کدام فاکتور یک بتواند یک فرد را از کار کردن در یک مرکز اصلاحی باز دارد.

این برای کارمندانی که در مراکز کیفری کار می نمایند مهم است که بطور عاجل آموزش های ضروری را با توجه جدی به معیارهای حقوق بشر فراهم نمایند. یک تحصیل ملی، که مطابق قانون و معیار های بین المللی باشد. باید انکشاف و به به کارمندان ای که در تسهیلات اصلاحی در سراسر کشور کار می نمایند و عرضه گردد. تمام کارمندان باید معیارهای بین المللی حقوق بشر را تامین و نگهدارند. در وقت نوشتن، UNDOc یک آموزشی را برای کارمندان مراکز اصلاحی فراهم نموده بود. سازمان عفو بین المللی از UNDOC قدردانی نموده و همکاری برای تامین حقوق بشر که این تحصیلات را به شکل سراسری ملتی انجام دهد.

#### 5.2.4. زخم های التیام نیافته کارمندان

بسیاری از آنهایی که در محابس کار می کنند خودشان مدتهای را در توقیف گاه ها بسربرده اند و این کار نظر به تاریخ ناپایداری سیاسی افغانستان رخ داده و آنها مورد شکنجه های روحی و جسمی قرار گرفتند. قوماندان امنیه ناحیه اول امنیتی و مسوول توقیف خانه همین ناحیه فقط چند ماه از آنکه توسط سازمان عفو بین الملل مصاحبه گردد از توقیف رها گردیده بود. وی شدیداً در توقیف آسیب دیده بود. این اوضاع در سراسر کشور تکرار شده است. اشخاص آسیب دیده به شدت میگویند تا برخورد شان مسلکی باشد تا نقش قانون را حفظ کنند. یک والی ولایت به سازمان عفو بین المللی گفت که با هر تغییری که در قواعد میاید، متخلفین قربانی می گردند و قربانی ها متخلفین، این خود یک دایره از خشونت ها را بوجود میآورد. این حلقه سوء استفاده را حتی بیشتر وابسته به تجدید تربین کارمندان محبس در مرکز توقیف ملکی و نظارت بر میکانیزم را بوجود آورده تا مطمئن سازند که معیارهای حقوق بشر حفظ گردیده است.

#### پیشنهادات

#### دولت اسلامی انتقالی افغانستان و جامعه بین المللی باید:

- فند فراهم نمایند تا کارمندان محبس معاشات خویش را بر وقت اخذ بدارند.
- حد اقل حقوق باید در حدی باشد که بتواند ضروریات یک خانواده را مرفوع بسازد.
- یک میکانیزم موثر و مناسب بوجود آید تا موضوع پرداخت معاشات تمام کارمندان محبس را در سراسر کشور بطور عاجل اجرا و بدسترس قرار دهد.
- فراهم آوری تعلیمات گسترده برای کارمندان محبس، حقوق جهانی بشر و معیارهای قانون بشری و بر مرحله اجرا گذاشتن آنها باید قسمی باشد که این آموزش های توسعه یافته، ترکیبی از مکمل بودن و دائم بودن باشد. این شامل آموزش بالای آنکه چطور مستوان قطعنامه هائی را که افغانستان آنرا تصدیق نموده و چطور میتوان دیگر وسایل بین المللی را که بخصوص در مورد سیستم محبس ارتباط دارد تعقیب کند.
- آموزگران را تشویق نمائید که چه کسی درمورد این معیارها آموزش دیده است تا در پست های شان برای انکشاف وظایف باقی بمانند، تا از موجودیت اشخاص متخصص ضمانت گردد.

- ضمانت نمایند از اینکه زنان ای که انخاب نمایند نیز به آموزش مسلکی دست داشته باشند. پروگرام های تقرری و نظارتی ضروری خواهد بود تا قسمی ایجاد و طرح گردد که مخصوصا آموزش های را روی دست گیرد تا زنان بی شتری را تشویق نماید تا به سیستم کیفری بپیوندند.
- آموزش های مخصوص در مورد ضرورت و حقوق اطفال باید فراهم گردد. این آموزش باید شامل آنکه چطور با مسایل حساس چون خشونت بر علیه اطفال می شود معامله نمود و تا جایی هم با اطفال ای که قربانی جرم بوده اند.
- فراهم آوری آموزش مخصوص در برخورد محتاطانه با مسایل چون خشونت علیه زنان و تا جایی هم اینکه چطور می شود با زنانی که قربانی جرایم اند برخورد نمود.
- سیستم به وجود آید تا پروگرام ها به شمول ارزیابی آموزگاران فهم و ارتکاب معیارهای حقوق بشر باید ایجاد گردد و در آغاز آموزش باید مطمئن گردید که دروس گذشته حفظ شده و می تواند در آموزش آینده علاوه و مورد استفاده قرار گیرد.
- مطمئن گردید که تمام آموزش ها ارتباط به ایجاد سیستم جوابدهی موثر دارد.
- مطمئن گردید که کمیسیون مستقل حقوق بشر علاقمند و قادر است که در تمام سطوح از پلان نمودن یک پروگرام آموزشی برای کارمندان محبس گرفته و تا ایجاد میکانیزم های جوابدهی را خلق نمایند.

### 5.3. اسلحه در داخل محبس

زمانی که ضرورت به ایجاد امنیت در محابس سراسر کشور محسوس گردد. ضرور نیست که بخاطر امنیت اسلحه بردارند. طبق معیارهای حد اقل اصغری، " به استثنا امورات مخصوص " کارمندان محبس چون طوری کر می نمایند که مستقیما با محبوسین در تماس اند، بنابر این نباید مسلح باشند. بر علاوه، کارمندان باید در هیچگونه موارد نباید مسلح باشند، مگر تا وقتی که آنها در استعمال آن ضرورت احساس کنند. "27"

### پاورقی

#### 27 قواعد 54 (3) قواعد معیارهای حد اقل

پلان های امنیتی محابس بستگی به اجراءات انفرادی در هر ولایت دارد، و تحت دوره های انتقال توافق گردد. پولیس تحت اداره وزارت امور داخله شاید در بعضی قضایا از تامین امنیت خارجی استفاده کند. سازمان عفو بین الملل نگرانی ازین دارد که تحت هیچ امری نباید محافظین ای که در محبس کار می نمایند تا که آموزش های لازم را ندیده اند مسلح باشند. تا بحال سازمان عفو بین المللی هیچ محبسی را .... محافظین مسلح مشاهده ننموده است، ولی این به رئیس ریاست محبوسین ارتباط دارد، زیرا جنرال بخشی می خواهد که کارکنان محبس پلچرخ را نیز مسلح بسازد. در یک ملاقات در رابطه به انتقال محبوسین به محبس پلچرخ وی تقاضای 50 میل اسلحه را نمود که توسط 270 نفر نیروی پولیس استفاده شود که تحت قیادت وی کار نمایند. هر گاه این اشخاص در واقعیت تحت امر رئیس محابس اند، آنها کارمندان محبس غیر نظامی اند و نباید مسلح باشند. فقط در مسایل استثنای با آموزش ها اولویتی.

### پی شهادت

#### حکومت اسلامی انتقالی افغانستان با همکاری جامعه بین المللی باید:

- نقش هر یک از "پولیس محبس" را واضح ساخته و خطوط واضح گزارش دهی ایجاد گردد.
- باید از اینکه کارکنان محبس مسلح نیستند اطمینان حاصل شود.
- نظمین نمایند از اینکه تمام اسلحه ها در حال حاضر که بدست کارمندان محبس می باشد شامل پروگرام خلع سلاح، حمل و تکمیل آن گردد.

### 5.4. ساختمان های اساسی فیزیکی

در سرتاسر افغانستان محابس بعد از 23 سال جنگ مسلحانه که نتیجتاً ویرانی گسترده ساختمان ها در بسیاری شهر ها و دهات افتاد. بسیاری از محابس کاملاً ویران شدند و در نتیجه امروز محبوسین در خانه های کرایه نا مناسب و یا هم در توقیف گاه های یکه باید با افراد قبل از محاکمه نگهداری می گردند. در اکثریت زندانهایی که با سازمان عفو بین المللی دیدن نموده بودند، شرایط آن زیر معیارهای حد اقل بین المللی سقوط نموده است. عدم توجه جامعه بین المللی به بازسازی محابس که به معیارهای حد اقل رسیده یک نظارت برای راه بیرون رفت سریع را خواهان است.

در اینجا بسیاری از راه های است که وضعیت در تمام محابس افغانستان را نیم تواند مطابق به قانون معیارهای بین المللی باشد. هزارها تن از بازداشت شده گان و محبوسین در مراکز توقیف و محابس در سراسر کشور در وضعیت بسیار ضعیف قرار دارند. آمرین محبوسیه که توسط سازمان عفو بین المللی ملاقات شدند، اینرا می دانستند که وضعیت برای محبوسین بد است و خواهان مساعدت در بعضی جا ها شدند. موضوع حفظ حقوق محبوسین و توقیف شده گان توسط مقامات محبس باید توأم با مساعدت های از طرف جامعه بین المللی باشد تا ضمانت کننده اصول معیارهای حد اقل باشد.

#### 5.4.1. ساختمان های ویران شده و محل بودوباش نامناسب

در چندین ولایت، محابس در جریان جنگ ها و یا سالها غفلت از بین رفته اند. در چنین اوضاع زندانها کهنه و مخروبه مورد استفاده قرار می گیرد و یا به ساختمانهای کرایه پسنده می کنند. در آنجا باید ساختمان های رسمی محابس وجود داشته باشند، تا بتواند محبوسین را در شرایط مناسب نگهدارند تا با شرایط حد اقل معیارهای بین المللی در مورد وضعیت و رفتار محبوسین هماهنگ باشد. قانون ملی درین رابطه تذکر می دهد که در مرکز هر ولایت باید یک مرکز توقیف و یک محبس وجود داشته باشد و یک مرکز توقیف در همه واحد های اداری (ولسوالیها) کشور. 28 جنرال بخشی، رئیس محابس عقیده دارد که از جمله 32 ولایت در هفت ولایت محابس بطور کامل تخریب گردیده اند. این قضیه همچنان در بامیان در نقاط مرکزی افغانستان صدق می کند، جائی که یک خانه کرایه شده بحیث محبس و مرکز توقیف استفاده می گردد. یگانه منبع روشنی یکدانه سوراخ در سقف است.

در ولسوالی بلخ، در شمال افغانستان، مرکز نگهداری می گردند. این دفاتر نیز واقع در تعمیر بانک می باشد. اطای که برای توقیف اشخاص است کوچکتر از شش متر مربع است. طبق اظهارات مقامات پولیس حتی ده نفر را نیز در یک زمان دین اطاق نگهداری نموده اند.

در کابل، مرکز توقیف بحیث محبس مورد استفاده قرار می گیرد، در حالی که محبس رسمی بازسازی گردیده است. این مرکز توقیف واقع در ولایت کابل است. در بعضی قضایا، ساختمان های محبس توسط دیگران اشغال شده است. در ولسوالی سپین بولدک ولایت کندهار، تعمیر اصلی توقیف گاه توسط مکتب اشغال گردیده است. جائی را که در حال حاضر بحیث توقیف گاه استفاده می گردد، در واقع یک دیپوی ادویه بوده و شفاخانه آنرا دوباره می خواهد. استفاده از تعمیرهای که رسماً توقیف گاه نیستند مشکل ساز بوده است. وزارت امور داخله حاضر نیست عمارت های را که رسماً محبس و یا توقیف گاه نبوده اند به وزارت عدلیه انتقال دهد. این بدان معناست که در بسیاری ولایت عمارت های جدید باید مورد شناخت و یا تعمیر گردند و در حال حاضر وزارت عدلیه هیچ منابعی را در دست ندارد تا تسهیلات جدید را بوجود آورد.

#### 5.4.2. تسهیلات توقیف گاه ها برای زنان

قانون ملی افغانستان می گوید "محابس و توقیف گاه های جدا گانه باید برای زنان در نظر گرفته شود." 29 بهر حال، در اکثریت محابس ولایت، زنان را در عمارت ای که مربوطه محبس اصلی (مردانه) است نگهداری می گردند. در ولایت بامیان، مناطق مرکزی افغانستان، در آنجا هیچ تسهیلی بطور قطع برای زنان مظنون وجود ندارد تا توقیف گردند. قسمی که سازمان عفو بین الملل در افغانستان گزارشی را در مورد بازسازی

پولیس برای تحفظ حقوق بشر مهم است، ارایه داد، زمانی که یک زن دستگیر می‌گردد یکی از وابستگان مرد "محرم" نیز با او دستگیر می‌گردد تا بحیث محافظ زن در جریان توقیف با او باشد. بعضی اوقات زنان در خانه های شخص نیز تحت نام (نظر بند) توقیف می‌گردند. در ولسوالی های دند و پنجوایی ولایت قندهار، جنوب افغانستان، در آنجا هیچ مرکز توقیف برای زنان وجود ندارد. هر گاه یک زن درین ولسوالی ها دستگیر می‌گردد، بطور فوری آنها را به محبس مرکزی قندهار ارسال می‌گردند. این نمونه در سراسر کشور در ولسوالی ها ادامه خواهد داشت زیرا هیچ جای برای زنان توقیف شده در ولسوالی ها وجود ندارد.

## پاورقی

23 ماده 2 قانون محابس و توقیف گاه ها در افغانستان 1313.

ibid. 29

در محبس مزار شریف، شمال افغانستان در زمانی که سازمان عفو بین المللی برای بار اول از آنجا دیدن نمود. هیچ جای جداگانه ای برای زنان وجود نداشت. تا اوسط ماه اکتوبر 2002، تمام زنان در یک اطاقی که سقف نداشت زنده گی می‌کردند، برای آنکه زمستان آمدنی بود زنان را به یکی از دفاتر کار کارمندان محبس انتقال دادند. که هیچ جای برای رفع ضرورت و استفاده مشخص زنان وجود نداشت. یک بخش زنانه که شامل یک اطاق می‌شد اعمار گردیده بود که یکی از دیوارهای محوطه نیز ریزش کرده بود. بجای آن از پایه های چوبی و فرش پلاستیکی استفاده شده بود که مانند دویار موقت بود. این اطاق سرد بوده و هیچ روشنی ندارد. بخصوص وقتی تاریکی می‌شود. در ماه می 2003 سازمان عفو بین المللی دوباره دیدن نمود در آنجا یک حویلی وجود داشت که زنان از آن استفاده می‌کردند ولی فوق العاده گل آلود بود.

## پیشنهادات

### با پشتی‌بانی جامعه بین المللی، دولت اسلامی انتقالی افغانستان باید:

- منابعی را فراهم نمایند که محابس بازسازی گردند و ساختمان عمارت های جدید فراهم گردد.
- فراهم آوری منابع برای بوجود آوردن تسهیلات جداگانه برای توقیف زنان در سراسر کشور.
- زنان باید در مراکز توقیف جداگانه نگهداری گردند و محبوسین نه توانند این خانم ها را ببینند و هیچ دسترسی هم به آنها نداشته باشند.

## 5.5. وضعیت محبس

معیارهای حد اقل قوانین چذین تذکر می‌دهد که محل بودوباش برای محبوسین باید جوایده همه تقاضاها برای صحت و در مورد پرداخت شرایط خیلی بالا مخصوصاً تهویه هوا، جای حد اقل در اطاقها، روشنی، سیستم گرم کننده و سرد کننده باید در نظر گرفته شود. 30

مقامات محابس در سراسر کشور نهایت کوشش خود را می‌کنند تا با منابع کمی که دارند بهترین کار را انجام دهند. عمارتهای فروریخته و کمبود منابع مالی برای بازسازی آنها، خواهان محیطی است که محبوسین را بتواند به طور مصون نگهدارد.

سازمان عفو بین المللی با خیلی از توقیف شده گان صحبت نموده و محبوسین تقریباً یکسال را در محبس گذرانده اند بدون آنکه قانونی بودن توقیف آنها توسط قاضی مشخص گردد و یا کوششی درین مورد صورت گرفته باشد. 31 در یک شرایط این چذین، شرایط بد محبس ماه ها بکار دارد تا خاتمه یابد، چیزی است که بر بی‌چاره گی و نگرانی های کسانی که در اینجا بسر می‌برند بی‌افزاید.

سازمان عفو بین المللی پیشنهاد می‌نماید که سیستم عدلی جنایی افغانستان مانند یک سوراخی است که ضرورت به بازسازی داشته که باید مطابق معیارهای قانون بین المللی باشد و از تخطی های مزید حقوق بشر که در همه سطوح پروسه های عدلیه اتفاق می‌افتد جلوگیری به عمل آید. 32

سازمان عفو بین المللی خیلی خوشحال شد وقتی دید بعضی از محابس حویلی های بزرگ در اختیار دارند که زندانیان می‌توانند ازین حویلی ها روزانه استفاده نمایند، فراهم آوری حد اقل ورزش برای آنها. بهر صورت این همیشه چنین نیست، بخصوص در توقیف گاه های ولسوالی ها.

## پاورقی

30 قانون 9 (1) قانون معیارهای حد اقل

31. ماده 9 (3) ICCPR

32 سازمان عفو بین الملل یک گزارشی را در مورد اداره عدلیه به نشر می‌رساند، که تمرکز نموده است بالای این مسأله. قرار است این گزارش تا اواخر جولای 2003 به نشر برسد.

دو ولسوالی دند، ولایت کندهار، مردانی که در توقیف قرار دارند کمتر اجازه دارند تا بیرون به حویلی بروند. در مزار شریف، قوماندان پولیس چنین گفت "محبوسین در اینجا نگهداری نمی گردند. آنها در ظرف 24 ساعت به محبس مرکزی انتقال می‌یابند." توقیف شده را که سازمان عفو بین الملل ملاقات نمود مدت هشت روز می‌شد که در توقیف خانه پولیس بسر می‌برد. کارمندان مرکز پولیس فقط نیم ساعت را صرف جستجوی یافتن کلید این توقیف گاه کردند. این موضوع ما را به شک انداخت زیرا قوماندان پولیس به ما گفت که توقیف شده گان را اجازه بیرون رفتن می‌دهیم. بعضی از مقامات محبس نگرانی شدیدی سازنا با سازمان عفو بین الملل از ناحیه نداشتن کارمندان کافی برای حفظ محبوسین ابراز داشتند و تا عمارت مصون نباشد، ما نمی توانیم به محبوسین اجازه بیرون رفتن مداوم را بدهیم.

در محبس کابل، با وجود داشتن اطاق ها بزرگ 6 سلول انفرادی (کوته قلفی) وجود دارد که حدودا دو متر 1/3 می‌باشد، در چنین جایی از یک نفر الی سه نفر نگهداری می گردند. که جای اصلا کافی نبوده حتی برای خوابیدن. یکی ازین سلول ها کلکین کوچکی داشت که روشنی روز در آن می‌تابید. دیگر سلول ها یک کلکین کوچک میان دو سلول تقسیم می شد نصف به یکی و نصف به دیگری آن، اینها بر علاوه آنکه روشنی کافی ندارد، بلکه شیشه نیز ندارد تا حد اقل محبوسین را در مقابل گرما و سرمای بی شدیدی حفظ کند.

در محبس ولسوالی انجول ولایت هرات، توقیف گاه جز از عمارت پولیس است. یکی از اطاقها روشنی و تهویه هوای کافی دارد، ولی سه اطاق دیگری برای روشنی و تبدیلی هوا نداشت. هیچ یکی از اطاقها تسهیلات گرم کننده نداشت، بخصوص در فصل خیلی سرد زمستان. در محبس مزار شریف، اطفال در یک اطاق کوچک با هیچ مخرج تهویه هوا نگهداشته شده بودند.

زمانی که سازمان عفو بین الملل ولسوالی دند ولایت قندهار را دیدن می‌نمود، چهار نفر در یک جای (طاق) نگهداری می گردیدند که هیچ کلکین نداشت، آنها بالای یک فرش پلاستیکی که توسط محافظین داده شد می‌خوابند. در افغانستان این معمول است که مردم روی دوشک در کف اطاق می‌خوابند. وسایل رختخواب کافی باید برای اشخاص که در توقیف بسر می‌برند فراهم گردد. کمیته صلیب سرخ برای بعضی از محبوسین سیاسی در بعضی زندانها رختخواب فراهم نموده است، ولی دیگر جاها به کمبود لحاف و کمپل مواجه بوده، در حالی که مجبوراً با سرمای خیلی شدیدی در فصل سرما مبارزه می‌کنند.

### 5.5.1. حفظ الصحه (بیت الخالها)

جابجای بین الخلاح ها باید "کافی بوده تا هر محبوسی نظر به ضرورت طبیعی که دارد قادر باشد از آن استفاده بعمل آورد. و اینها باید در یک حالت پاکیزه نگهداری گردند. 33. تمام نقاط اداره محبس باید مطابق به معیارهای حد اقل بین المللی باشد و باید منظم حفظ و مراقبت گردیده و جد باید متوجه صفای آن باشند. بسیاری از زندانهای را که سازمان عفو بین الملل دیدن به عمل آورده تشناب ها فوق العاده بسیار زیاد پر و نهایت کثیف بودند و هیچ تسهیلات لازم را جهت شستشو در اختیار نداشتند. وضعیت حفظ الصحه بد در محابس مخصوصاً در فصل تابستان، بیماری های زیادی را ببار می آورد.

مرکز توقیف قوماندانی امنیه مزار شریف در یک زیر زمین است. ظاهراً این توقیف گاه با مشکل شدیدی هوا روبروست و تهویه ناکافی دارد، و بوی بد آنجا غیر قابل تحمل است، توقیف شده گان قبلی آنرا بدیث "شکنجه" ذکر نموده اند. توقیف شده گان به سازمان عفو بین الملل گفتند، در قوماندانی امنیه مزار ما را

مجبور می‌ساختند تا اطاق پهلوی سلول ما را بجهت تشناب استفاده کنیم، زیرا کارمندان توقیف اکثر آنها را برای استفاده از تشناب اجازه نمی‌دهند. در ولایت هلمند، جنوب افغانستان، زنان هیچ تشناب حمام و یا بیت الخلاج ندارند، در عوض آنها از یک زمین همواری که در عقب دیوار ویرانه قرار دارد استفاده می‌کنند.

## پاورقی

33 قانون 12، قوانین معیارهای حد اقل.

تمام محبوسین مرد و توقیف شده گان در توقیف ولایت کابل به سازمان عفو بین المللی شکارت نمودند که در جریان شب به تشناب دسترسی ندارند.

در آنجا فقط 5 تشناب برای 500 نفر است. بعضی از محبوسین به سازمان عفو بین المللی گفتند اگر آنها در وقت شب تقاضای بیرون رفتن به تشناب را کنند، توسط یکی از محافظین نوکریوال مورد لت و کوب قرار می‌گیرند.

برای آنکه در جریان شب به تشناب ضرورت نیافته، بسیاری از محبوسین از خوردن غذای شب صرف نظر می‌کنند، در نتیجه وزن شانرا از دست داده و ضعیف می‌شوند. در قسمت انائیه محبس مزار شریف، در آنجا نیز کدام حمام وجود ندارد، فقط یک اطاقک از گل ساخته شده که دارای سوراخ می‌باشد، شاور وجود ندارد ولی زنها سطل در اختیار دارند و می‌توانند برای شستشو آب بدست بیاورند.

معیارهای بین المللی برای مسایل شخصی و خصوصی محبوسین حقوقی را فراهم نموده است. مقامات محبس برای هر نوع تسهیلات را در جهت پاکی محبوسین باید فراهم نماید و آنها را بکنند. تسهیلات باید فراهم کرد تا منظم موهای سر و ریش اصلاح گردند و درین صورت محبوسین نظر به ظاهر شان می‌توانند احترام به خود قائل گردند. 34 بهرحال، در ولایت کابل، مردان بخاطر اصلاح موی باید از جیب خود پول بپردازند، که آنها این تسهیلات را کمتر در اختیار دارند.

آب نیز عنصر خیلی مهم برای محبوسین است. NGO ایمرجنسی یک پمپ آب را برای بخش ذکور و انائیه ولایت کابل فراهم نموده است. در محبس هلمند، اطفال و زنان هیچ دسترسی به آب نداشتند در داخل حویلی شان. زمانی که ضرورت داشتند به آنها اجازه خروج داده می‌شد. شستشو (وضو) قبل از نماز، در ولسوالی دند ولایت قندهار و توقیف خانه ها در خارج نل آب وجود دارد ولی در داخل هیچ دسترسی به آب وجود ندارد. در ولایت هرات، آب با تانکرها آورده می‌شود، ظاهرا توسط اطفائیه آن ولایت. فقط دو تا از بمبه های آب در محوطه محبس فعال اند که برای آنده از نفوس محبوسین ناکافی می‌باشد.

قوماندانان محابس بخاطر وضعیت بد محابس معذور اند، و می‌خواهند که کار بازسازی شروع شود. ولی توضیح دادند که هیچ منبعی در اختیار ندارند تا کار بازسازی ساختمان ها را شروع کنند، ایناه چیزهایی استند که امکان دارد به منابع ضرورت داشته باشند ولی بعضی چیزهای دیگری نیز وجود دارد که می‌شود بدون پول و منابع به آن رسیده گی نمود، بطور مثال، یک جای را پاک نگهداشتن، تشنابها را پاک نگهداشتن و خالی نمودن آن، خالی نمودن آبدان های آب و پر نمودن آن با آب تازه.

## 5.5.2. غذا

محبوسین باید مطابق قانون بین المللی از غذا بهره مند گردند. 35 بهرحال، زمانی که سازمان عفو بین المللی محابس را در سراسر کشور دیدار نمود در ماه های سپتامبر و نومبر 2002 بود، توقیف شده گان و محبوسین از طرف خانواده های شان غذا بدست می‌آورند. آنها که در توقیف بودند و کدام پایواز نداشتند مجبور بودند از غذای باقی مانده دیگر محبوسین استفاده کنند. در این مدت، حکومت مرکزی امر نمود که باید تمام توقیف شده گان از سهمیه غذای نظامیان (پولیس) تغذیه گردند، غذا هم برای محبوسین و هم برای کارکنان محبس فراهم می‌گردد. در بسیاری از محابس که دیدن نمودیم صبحانه نان و چای با شکر، چاشت برنج با سبزیجات، در بسیاری از محابس هفته یکبار الی دو بار گوشت برای محبوسین داده می‌شد. کارمندان محبس خواهان فراهم نمودن غذاهای پروتینی (با غذایی) برای محبوسین و خودشان گردیدند، آنها گفتند که غذای حاضر کافی نبوده و امکان دارد که محبوسین از کمبود انرژی رنج ببرند. مقامات محبس گفتند که نگرانی ما

بیشتر از این ناحیه است که منابع غذایی بیشتری فراهم نگردد. این موضوع باید به حیث یک اولویت توسط اداره انتقالی افغانستان به کمک جامعه بین المللی فراهم گردد. طبق گفته داکتر محبس مرکزی قندهار یک بهبودی کامل در وضع مریضان محبس زمانی رونما گردید که غذا برای تمام محبوسین داده شد، ولی وضع صحی مریضان بطور کلی خوب نیست. در توقیف خانه ولایت کابل، محبوسین مجبور اند بخاطر آبگرم و چای پول بپردازند هم چنان برای نان خشک، تخم مرغ و دیگر ضروریات که تخطی از معیارهای بین المللی است.

### پاورقی

34 قانون 15 و 16 قوانین معیارهای حد اقل  
35 قانون 20 قوانین معیارهای حد اقل

### 5.5.3. ادویہ

تمام توقیف شده گان باید به ادویہ کافی و فوری دسترسی داشته باشند که مطابق به معیارهای قانون بین المللی است. 36 اطاقهای صحی در بسیاری از محابس بازسازی گردیده اند، ولی در آن جا هیچ ادویہ وجود ندارد. حتی وسایل خیلی ابتدایی طبی، سازمان عفو بین المللی چندین دوکتور محبس را ملاقات نمود که به علت عدم موجودیت منابع ادویہ آنها قادر نیستند تا محبوسین را به شکل درست مدوا کنند. زمینه وجود دارد ولی مواد طبی وجود ندارد. حکومت های کمک کننده بین المللی و انجوها باید کارشان را طوری عیار سازند تا بتوانند منابع کافی ادویہ را برای مراکز توقیف و محابس سراسر کشور برسانند.

بیشترین شکایت طبی در میان محبوسین عبارت از محرقة، ملاری، برانشیت، تکلیف کرده، امراض جلدی، تب، سردردی و توبرکلوز (سل) و تا جایی هم اسهالات و آنفولانزا میباشد. این بیماری ها متقاضی مراقبت های ویژه میباشند که اگر بدون مداوا بمانند امکان سرایت آن به اکثر زندانی های دیگر میباشد. این مسله در محبس کندز نیز اتفاق افتاده است. به گفته اعضای کمیسیون عدلی قضایی که ازین محبس دیدن نموده بودند دریافتند اکثریت آنهائی که در محبس کندز بودند به امراض انتانی جلدی مبتلا بودند که بخاطر عدم موجودیت ادویہ تداوی نگردیده بودند.

محبس مرکزی قندهار شفاخانه (کلینیکی صحی) کاملاً جدیدی دارد. پول برای بازسازی آن توسط آمر محبس مرکزی امداد شده بود. بهر حال، این کلینیکی که به کمبود ادویہ دچار است.

سه داکتر و دو پرستار شامل کارمندان صحی این بخش میگردند، ولی بخاطری که آنها هیچ دوا ندارند، نمی توانند کاری بکنند. در ولایت کابل، انجوا ایمرجنسی برای اعمار اطاق صحی کمک نموده است، ولی باز هم «جا» ادویہ وجود ندارد. در تمام محابس که سازمان عفو بین المللی از آن دیدن نمود به کمبود ادویہ دچار بودند. باوجود آن انجوها بین المللی به شمول ICRC و ایمرجنسی که بعضی از مساعدت ها را فراهم نموده اند آنها برای بازسازی بخش صحی، آنها به سازمان عفو بین المللی گفتند که هیچ گونه مساعدتی را در قسمت ادویہ تازمانی نمی توانند فراهم کنند برای آنکه اداره محابس تحت قیادت پولیس میباشد. حالا مسوولیت محابس به وزارت عدلیه انتقال یافته و سازمان عفو بین الملل بر تمویل کننده گان تاکید می نماید که محابس و مراکز توقیف افغانستان را باید با تجهیزات مهم طبی و متخصص کمک نمود.

### پیشنهادات

دولت انتقالی اسلامی افغانستان به کمک جامعه بین المللی باید:

- فراهم نمودن منابع برای آنکه اوضاع زندان مطابق به معیارهای بین المللی.
- توجه خاص باید به محل، روشنی، تهویه هوا و گرم نگهداشتن زندانها گردد.
- فراهم نمودن منابع برای عذای کافی با غذائیت توسط دولت به تمام محبوسین و توقیف شده گان و کارمندان محبس و محبوسین.



- فراهم آوردن تسهیلات طبی کافی و بطور فوری برای همه محبوسین و اگر ضروری باشد در شفاخانه بستری گردند. برای آن که نقطه پایان به این وضعیت گذاشته شود، باید منابع فراهم گردد تا بخش طبابت محابس برای مداوا تسهیلات کافی و ضروری را در اختیار داشته باشند.
- مطمئن گردید از اینکه محابس و توقیف خانه ها پاک نگهداری گردند و کتافات نباید نزدیکی مخزن آب نگهداری گردد.
- مطمئن گردید از اینکه هر محبوس به مقدار لازم و ضرورت اش آب بدست می‌آورد و آب باید مطابق ضرورت محبوسین در محوطه ها موجود باشد.

### پاورقی

36 قوانین 26-22 قانون معیارهای حد اقل

### 5.6. ازحام پیش از اندازه

ازحام در حال حاضر یکی از مشکلات شایعی است که محابس و مراکز بدان روبرو می‌باشند. زیرا تعداد دستگیری ها افزایش یافته است. در حالی که بیشتر این اشخاص در محابس هنوز محاکمه نگردیده اند و نه هم امکانات این وجود دارد که بر اساس کدام ضمانت رها گردند. فرامین رئیس دولت و تصامیم قوماندانان محلی مبنی بر رهایی توقیف شده گان در بعضی جاها تقریباً کمی کار را آسان نموده است ولی همیشه این راه حل برای داشتن یک سیستم عدلیه فعال نمی‌باشد. هر نوع اتهام گناه باید فوراً محاکمه گردد بهتر ازین است که بطور خودسرانه رها گردند.

در ماه نوامبر 2002 که سازمان عفو بین الملل از محبس ولایت کابل دیدار نمود 511 نفر محبوس و توقیف شده در آنجا وجود داشت که ظرفیت حد اکثر آن الی 200 نفر می‌باشد. در محبس مزار شریف واقع در شمال افغانستان، در می 2003 حدود 20 نفر را در اطای نگهداری می‌نمودند که برای 6 نفر ظرفین داشت. در محبس هرات، غرب افغانستان به سازمان عفو بین الملل گفته شد که ظرفیت محبس گنجایش 2000 نفر را دارد ولی با داشتن 700 نفر این محبس خیلی مزدحم به نظر می‌رسد.

### پیشنهادهات

#### دولت اسلامی انتقالی افغانستان باید:

- همه کوشش ها را به عمل آورد تا توقیف شده گان باید بدون تاخیر در مقابل قاضی آورده شوند، و هر گاه کسی بدون شاهد و گواه مبنی بر ارتکاب جرم باید فوراً رها گردد.

### 5.7. دیدار خانواده ها

طبق قوانین بین المللی اعضای خانواده از توقیف شده اعضای خانواده باید مطلع گردند. و تمام محبوسین باید بطور منظم اجازه یابند که ارتباط داشته باشد با اعضای خانواده بخصوص باید ملاقات نماید. 37 در اینجا قانون جامع ملی وجود ندارد، ولی در اکثر محابس که سازمان عفو بین الملل دیدار نمود ملاقات ها به طور منظم اجازه داده نمی‌شد. و هیچ روشی وجود ندارد که توسط آن اعضای فامیل یا وابستگان از توقیف شدن شخص مطلع گردند و این بخاطر عدم موجودیت چنین چیزی در چوکات کاری آنها می‌گردد. در افغانستان ملاقات با اعضای خانواده به دلیل مهم پنداشته می‌شود که می‌توانند در رابطه به پیشرفت کارهای شان به آنها اطلاع دهند، و همچنان ضروریات شانرا از قبیل غذا و رختخواب رفع می‌نمایند.

### پاورقی

37 اصل 19 گروپ اصول

سازمان عفو بین الملل نگرانی خویشترا در مورد ولایت بامیان ابراز می‌دارد، زیرا در بامیان تا زمانی که متهم اعتراف نه نموده است نمی تواند با خانواده اش ملاقات نماید. تمام محبوسین و توقیف شده گان باید اجازه یابند تا بطور منظم با اعضای فامیل شان ملاقات نمایند، بدون آنکه جرم شان در نظر گرفته شود. هر گاه متهم هستند و یا مرتکب جرم گردیده اند، سازمان عفو بین الملل گزارش های را از وضع محبس قندوز بدست آورده که برای جزای انضباطی شخص از ملاقات با فامیل اش منع می‌گردد. این جزا نه تنها محبوس را بلکه اعضای خانواده وی را متأثر می‌سازد که تخطی از از معیار های بین المللی در مورد حق ملاقات با اعضای خانواده به حساب می‌آید.

#### پیشنهادهای

#### دولت انتقالی اسلامی افغانستان باید:

- باید مطمئن گردند که تمام محبوسین باید اجازه یابند تا منظم با اعضای خانواده و تا جایی هم منظم با فامیل های شان در تماس باشند.

#### 5.8. احیای مجدد و ترکیب دوباره

قانون معیارهای بین المللی تقاضا دارد که محبوسین و توقیف شده گان باید در مدت حبس دسترسی به کار و تحصیل داشته باشند. 38. یکی از اصول بنیادی سیستم کیفری احیای مجدد (تجدید تربیت) محبوسین بوده که آنها را بسوی جذب مجدد آنها توسط جامعه سوق می‌دهد. بسیاری از قوماندانان محابس این موضوع را بحیث هدف شان توضیح نمودند، و تقاضای مخصصی را برای کمک در بازسازی این بخش نموده اند زیرا ایجاد چنین ورکشاپ ها زمینه برای تجدید تربیت محبوسین می‌باشد. در محبس هرات در آنجا چهار ورکشاپ وجود دارد که عبارت از نجاری، قالین بافی، فاز کاری و قنادر است. طبق قوماندان محبس هرات محبوسین بخاطر کارشان مزد دریافت می‌دارند. استاد روز 15 افغانی و کارگران روز 5 افغانی بدست می‌آورند. 39 طبق قوماندان محبس در آنجا هیچ قانون مخصوصی برای کار وجود ندارد. هر کشش بخواهد و تقاضا کند می‌تواند کار نماید. کار دستی نیز توسط محبوسین درست دشه و توسط اعضای خانواده محبوسین به فروش می‌رسد، که عبارت از تسبیح، پوش قلم، آئینه‌های دی‌کورشده و دستکول های کوچک می‌باشد. چنین ورکشاپ ها می‌تواند که محبس را نیز کمک کند که با پولی که از این راه بدست می‌آورند می‌تواند اعضای خانواده شانرا حمایت کنند.

در محبس مرکزی قندهار قوماندان محبس به سازمان عفو بین المللی گفت که محبوسین حق نوشتن و خواندن را دارند چی در تخته سیاه باشد و یا از کتابخانه استفاده کنند، و به آموزش و تمرین ورزش و موسیقی بپردازند. بهر حال، در اثر عدم موجودیت منابع نمی تواند اینها را در توقیف به محبوسین فراهم نماید، در پهلوی این بعضی از محبوسین علاقمند شده اند تا انگلیسی بیاموزند و به دی‌گران نیز بیاموزانند بخصوص وقتی که دی‌گران مواد را جمع می‌کنند تا صنایع دستی بسازند.

بخش عمده محبوسین بی‌سواد اند، صنف های سواد آموزی در بعضی از محابس با امکانات کم فراهم گردیده است. در مزار شریف کورسهای سواد آموزی توسط ریاست تعلیم و تربیه آن ولایت برای محبس در نظر گرفته شده است. در ولایت هرات یک داوطلب کورسهای سواد آموزی چنین صنف های منابع زایدی بکار ندارد و باید در تمام محابس در سراسر کشور ایجاد گردد. در محبس کندز قرار بود که کورس های سواد آموزی شروع شود ولی نشد زیرا در آنجا مواد درسی وجود نداشت. سازمان عفو بین الملل نگران است از اینکه در محبس مزار شریف زنان مورد تبعیض قرار گرفته اند، زیرا هیچ صنفی برای آنها در نظر گرفته نشده است.

#### پاورقی

38. قوانین 77-71 قانون معیارهای حد اقل، اصل 28 گروه اصول  
39. یک دالر امریکایی تقریباً 50 افغانی می‌شود.

یک ورکشاپ ابتدایی با مهارت‌های ابتدایی ایجاد گردیده برای اطفال (مراقق). در آنجا ورکشاپ‌های نجاری، خیاطی و چرم‌دوزی می‌باشد. همچنان آنجا درس سواد آموزی نیز است. کورسهای سواد آموزی باید برای همه محبوسین و بطور منظم باشد. جنرال بخشی گفت که وی در ایجاد سواد آموزی سهم داشته، تلاش‌های وی باید توسط اداره انتقالی اسلامی افغانستان مورد حمایت قرار گیرد. وزارت تعلیم و تربیه باید معلمین ورزیده را در تشکیل محبس در نظر گیرند.

#### پی‌شنهادات

#### دولت اسلامی انتقالی افغانستان به حمایت جامعه بین‌المللی باید:

- پروگرام‌های آموزشی و تجدید تربیت برای محبوسین
- فراهم آوری معلمین مسلکی برای لند برین سطح سواد آموزی در سراسر کشور برای مردان، زنان و اطفال و ایجاد کورسهای سواد آموزی در محابس.
- فراهم نمودن کتب و دی‌گر مواد خواندنی تا محبوسین بتوانند با دنیای خارج از محبس در تماس باشند.

#### 5.9. جدا سازی و صنف بندی محبوسین

ماده 10 ICCPR می‌گوید که " اشخاص متهم باید در بخش جداگان قرار گیرند، تا از اشخاص محکوم شده جدا گردند و با آنها روش جدا گانه ای صورت بخاطر وضعیت شان بحیث اشخاص محکوم نشده"، این مهم است که اشخاص محاکمه شده و نشده از هم جدا گردند، این با اصول بنیادی اجراءات سیستم عدلیه مغایر نباشد. اشخاص محکوم نشده باید بی‌گناه فرض شده و باید با آنها چنین رفتار گردد. 40 بهرحال، در هر یک از محابس که سازمان عفو بین‌المللی در افغانستان دیدار نمود هیچ جدا سازی در میان اصناف مختلف محبوسین وجود نداشت.

در ولایت کابل، سازمان عفو بین‌الملل با مردی مصاحبه نموده که محکوم به مرگ شده بود با توقیف شده که هنوز محاکمه نشده بود نگهداری می‌گردد. 41 دو صنف محبوسین در جزیان روز با هم یکجا بیرون نمی‌باشند، ولی در شب با هم در یک سلول نگهداری می‌گردند.

در ولایت کابل یک توقیف‌گاه درین اواخر ایجاد شده به منظور اینکه محبوسین را از هم جدا سازند یعنی محکومین و متهمین را. بهرحال بسیاری از توقیف‌گاه شده گان بدون محاکمه با محبوسینی که محاکمه گردیده اند یکجا نگهداری می‌گردند. با وجود آن هم در میان محابس بهاین موضوع آشنایی دارند که باید صنف‌های مختلف جرایم باید از هم جدا گردند، و این بخش‌ها عموماً واضح نیستند. بطور مثال، یکی از قوماندانان محبس این فرق را میان باسواد و بی‌سواد می‌داند.

در محبس ولایت قندهار قوماندان محبس به سازمان عفو بین‌المللی چنین گفت که منابع در دست نیست تا میان افراد محکوم و مظنون جدا سازی صورت گیرد. بنابراین خیلی مهم است که جامعه بین‌المللی منابع را فراهم نماید، زیرا این یکی از معیارهای کلیدی است که باید در اولویت قرار گیرد. شاید امکانات این موجود نباشد تا تسهیلات جدا گانه ای را در هر محبس ولایت فراهم نمود بلکه می‌شود ایشان را در سلول‌های جداگانه قرار دارد و ی‌ه‌م شاید راه حل‌های دیگری که نظر به اوضاع اولویت داشته باشند قرار گیرد.

#### پاورقی

40 قانون (2) 84 قوانین معیارهای حد اقل برای سلوک با محبوسین  
41 سازمان عفو بین‌الملل در همه احوال مخالف حکم مرگ می‌باشد. این موضوع در گزارش‌های که قرار است به نشر برسد در مورد اداره عدلیه به نشر خواهد رسید.

+++++

بعد از آن سازمان عفو بین‌الملل این اتهامات را به مقامات گزارش و این گزارش نتیجه خوبی داشت. بهرحال، بدون آنکه تحقیقات توسط یک گروه، تفتیش صورت گیرد و تمام تخلفات از حقوق بشر می‌تواند

بدون کشف باقی بماند. این مهم است که مقررات در سراسر کشور جابجا شود و کشور باید از دخول مردان بدون همراه مامور زن جلوگیری شود، چی در روز باشد و یا در شب حق ندارند از زنان دیدار کنند و در صورت گرفتن شکایت سوء استفاده جنسی باید تحقیقات صورت گیرد و مسوولین این اعمال را باید پای میز عدالت بکشانند.

### پی‌شنهادات

#### دولت اسلامی انتقالی افغانستان به حمایت جامعه بین المللی باید:

- تامین نمودن آموزش بر کارکنان محبس به شمول آموزش حقوق بشر بحيث یک بخش مرکب با تاکیدی برای اینکه هیچ کس نباید تحت هیچ گونه اجرائی مورد شکنجه روحی و جسمی قرار گیرد.
- منع استفاده از هر نوع آهن آلات برای پاها.
- فراهم آوری تجهیزات غیر کشنده به شمول ولچک دست و در پهلوئی آن کارمندان باید آموزش به بی‌نند که چطور از این وسایل به شکل درست استفاده کنند و در پهلوئی آن انکشافات برای سیستم نظارتی نیز باید اولویت قایل شد. مطمئن گردید که هر یک از این تجهیزات باشد، جائی که این در عمل نیز مورد استفاده قرار گرفته تا از خطرات احتمالی سوء استفاده و زخم های لاعلاج جلوگیری به عمل آید و این تا زمانی که افغانستان انتقال نگردد تا یک گروپ مستقل متخصصین بر استفاده درست این وسایل نظارت نکند.
- مطمئن گردید از اینکه هیچ پولیس مرد و کارمند ذکور محبس اجازه نیابد تا از محبوسین زن بدون همراهی پولیس زن دیدار نماید.
- هر نوع اتهام تخطی از حقوق بشر که توسط کارمندان محبس صورت گرفته باشد باید فوراً، دقیقاً، مستقلاً و بی‌طرفانه مورد تحقیق قرار گیرد.

### پاورقی

50 قانون (1) 28 قوانین معیارهای حد اقل  
51 قانون 53 و قوانین معیارهای حد اقل

### پی‌شنهادات

#### دولت انتقالی افغانستان به کمک جامعه بین المللی باید:

- فراهم آوری تسهیلات برای ساختار تعمیرات برای جدا سازی محکومین و معهمین.
- آموزشی که برای کارمندان فراهم می گردد معلومات را با جزئیات در مورد اهمیت جدا سازی میان اصناف مختلف محبوسین بوجود آورد.

### 6. جوابدهی و نظارت

تمام اشخاصی ای که در توقیف می‌باشند باید دسترسی به راه حل موثر برای تخطی از حقوق شان که در زمان توقیف صورت گرفته داشته باشند، جوابدهی یک بخش مهم این راه حل است و توقیف شده گان و محبوسین حق دارند تا تقاضا و یا شکایت در مورد رفتار با آنها بکنند. 42. در افغانستان هیچ سیستم وجود ندارد که جوابدهی را در محابس سراسر کشور و هیچ محتوای که در سطح می‌کانبازم ملی باشد در مورد آنهاست که در توقیف اند بتوانند شکایت شانرا ارسال و دوباره جواب بدست بی‌آورند، وجود ندارد. راهی که سازمان عفو بین الملل دسترسی به محابس و مراکز توقیف در سراسر کشور داشت، اینطور فهمید که درین مملکت آشنایی با اهمیت شفافیت وجود دارد. این خیلی مهم است که این ذریعه ایجاد یک ساختار نظارتی تعقیب گردد

که بتواند ملاقات های دوامدار از محابس و مراکز توقیف داشته باشد تا وضعیت آنها را بررسی نموده و شکایات محبوسین را سمع کند.

### 6.1. ساختار نظارتی

معیارهای بین المللی در مورد توقیف یک شخص می گوید که شخص توقیف شده حق دارد تا یک شکایتی را در مورد رفتار مقامات مسوول در اداره و یا جایی که توقیف شده بو دارد به مقامات بالاتر برساند و تا جایی هم برای درخواست نظریات مقامات با تجدید نظر و یا قدرتهای حل کنند. 43 قوانین معیارهای حد اقل مشخص نموده که هر محبوس شاید فرصت اینرا پیدا کند که در هر هفته یکروز تقاضا و یا شکایات شانرا به محافظین محابس و یا به افسری که بتواند حضور یابد ارایه دهند. 44 قانون ملی افغانستان مسوولیت محدودی را برای نظارت از محبس را به ولی محلی و یا رئیس محکمه داده تا اطمینان حاصل کنند که هیچ کس غیر قانونی محبوس و یا زیادتر از مدت حبس نگهداشته نشده است. ولی در آجا هیچ یادهانی از نظارت محبس، وضعیت و برخورد با محبوسین وجود ندارد. 45

در تمام محابسی که سازمان عفو بین المللی دیدار نمود، راه های مختلفی وجود داشت تا با شکایت محبوسین رسیده گی گردد. حارنوال نظارت بر محلات سلب آزادی یک سیاست کاری دارد، آنها از توقیف گاه های تحت صلاحیت خوند دیدار نموده و گزارش هایی را به ولی، ولسوال و مافوق خویش ارایه می کند. 46 یک خارنوال نظارت بر محلات سلب آزادی باید در هر ولایت موجود باشد. بهر حال، این بطور کل انجام یافته است. در بعضی مناطق که توسط سازمان عفو بین المللی دیدار بعمل آورد این حارنوال از محابس بطور منظم دیدار می نمود و شکایت بدست می آوردند ولی هنوز واضح نیست که با این شکایات چگونه رسیده گی می شود. سازمان عفو بین الملل از قضیه ای اطلاع نیافت که تحت تحقیق این حارنوال باشد. نقش حارنوال نظارت بر محلات سلب آزادی باید واضح گردد، و با وظایف مشخص.

### پاورقی

42. اصل 33 گروه اصول

ibid. 43

و باید این کار به طور سراسری در کشور انجام شود. در مزار شریف سازمان عفو بین الملل شنید که این حارنوال در وقت دیدار از محبوسین از مردان تقاضای پول در بدل رهایی می کرد و از زنان درخواست هموابگی می نمود در بدل رهایی. یکی از توقیف شده گان به سازمان عفو بین المللی چنین گفت که درست است که حارنوال می آید ولی هیچ گاه بخاطر پرسیدن مشکل ما نمی آید. و محبوسین دی گر با هم گفتند او فقط علاقمند است با کسانی خحبت کند پوادار معلوم می شوند. این و دی گر قضایای سوء استفاده جنسی باید بطور فوری تحقیق گردد، به طور مستقل، موثر و بی طرفانه، سازمان عفو بین المللی این قضیه خاص را به رئیس حارنوال مزار شریف در میان گذاشت، ولی قبلا چنین شکایاتی را نیز دریفت نموده بود. شخص مذکور از وظیفه سبکدوش گردید. دفتر حارنوال نیز از عدم موجودیت منابع رنج می برد. در کندهار و کابل خارنوال نظارت بر محلات سلب آزادی وسیله نقلیه ندارند. بدین لحاظ از جاهای که آنها می توانند دیدار کنند فقط در داخل شهر محدود است، و ساحات دورتر بدون نظارت باقی مانده است.

در اینجا دی گر تشکیلات نظارتی دیگری نیز وجود دارد که معلوم می شود زیادتر موثر نیست. در ولایت هرات و محبس مرکزی آن توسط ولی اسماعیل خان ماه دوبار از محبس دیدن می نماید تا مطمئن گردد، طبق قوماندان محبس مرکزی هرات، تمام کسانی که در توقیف قرار دارند باید مانند انسان با آنها برخورد گردد شکایات را می توانند به نماینده محبوسین بدهند که خودش یک محبوس است. بعدا این شکایات را با کارمندان محبس می دهد و یا هم به خود اسماعیل خان. در وقتی که سازمان عفو بین المللی از این محبس دیدار نمود، هیچ محبوسی شکایت ننموده بود. قوماندان محبس کندهار به سازمان عفو بین الملل گفته بود که محبوسین اجازه دارند نامه بنویسند و یا اگر شکایتی داشته باشند می توانند به وی تسلیم دهند. بعدا وی آنرا به مقامات مقدم ارایه می دهد. طبق قوماندان محبس، بیشتر شکایات عدم قناعت با جزای دریافت شده و مریض

می‌باشد تا از شکنجه و یا وضعیت محبس باشد. سازمان عفو بین الملل نگران این میباشد که شاید محبوسین احساس آزادی نکرده اند تا شکایات شانرا با ما در میان بگذارند.

## پاورقی

44 قانون 36، قوانین معیارهای حد اقل.  
45 ماده 11، قانون محابس و زندانها در افغانستان (1313).  
46 ماده 20، قانون حارنوالی (1345).

و شاید هم از ترس اینکه به قوماندان محبس شکایات ظلم و رفتارهای ظالمانه و ضد بشری و یا جزاها را شرح دهند.  
می‌کاذبیم خارجی نظارتی باید در نظر و یا ایجاد گردد تا محبوسین بتوانند شکایات شانرا در مورد طرز رفتار با آنها طرح نمایند، و نیز حس مسوولیت را در میان کارکنان محبس تقویت نمایند. مخصوصا اهمیت قانون بین المللی که رابطه به حقوق اطفال در مورد طرح شکایات دارند. قوانین ملل متحد در مورد تحفظ نوجوانان محروم شده از آزادی می‌گوید که تلاش های باید انجام پذیرد تا یک دفتر مستقل ( Ombuds person ) ایجاد گردد تا به شکایات رسیده گی و تحقیق شود که جوانان محروم از آزادی به آن مواجه اند.  
47

## 6.2. می‌کاذبیم های مستقل نظارت

یک گروه مستقل، و غیر وابسته باید ایجاد گردد تا از محابس دیدن نماید. طبق معیارهای بین المللی اشخاص لایق و مسلکی به شمول کارمندان طبی و یا هم مقام مستقل ارزیابی و شاید بازرسی هائی را در جا های توقیف و بشکل منظم انجام یابد و باید قدرت آنرا داشته باشد تا بدون اعلان قبلی دست به اینکار بزند و اینکار اینکار باید توام با ضمانت های باشد که این وظایف بشکل مستقل انجام پذیرد. 48. چنین گروهی باید متشکل از قاضی ها، دوکتوران طب، حقوقدانان، حارنوالان و دیگر متخصصین باشد. زنان نیز باید عضو همین گروه باشند. معیارهای بین المللی می گوید که محبوسین باید قادر باشند تا پیشنهادات و شکایات شانرا به مفتشین محابس و یا دیگر بازرسان که جز محافظین محبس نباشند ارایه دهند. و هم نباید دیگر کارمندان محبس حضور داشته باشند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر (AIHRC) قدرت اینرا دارد تا تخطی های حقوق بشر را به شمول آنچه در محابس می‌گذرد تحقیق کند. هر گاه آنها قادر و علاقمند اند که این نقش را به عهده گیرند. کمیسیون حقوق بشر درین اواخر شعبه سمع شکایات را تاسیس نموده است. طبق یکی از کارمندان، قسمی که دفاتر ساحوی ما جدیدا ایجاد شده، هنوز ظرفیت انی را نداشته اند تا به شکایات رسیده گی نمایند و آنرا تعقیب کنند. بهر حال، شکایات در کابل بدست آمده می‌تواند و بعدا آنها به منطقه مربوطه برای تعقیب قضیه فستاده می‌شود. این یک اقدام مهم بوده که باید از طرف جامعه بین المللی مورد حمایت و تقویت قرار گیرد، بادر نظر داشت کمک مالی، آموزش و آوردن متخصصین از کشورهای دیگر به این منطقه، ضرورت امکانات برای سمع شکایات شفاهی خیلی مهم است که در محابس افغانستان وجود داشته باشد جائی که سطح سواد واقعا پائین است. یک اقدام برای چنین یک اداره قرار بود توسط آقای کرزی ایجاد گردد و این اقدام بعد از آنکه معلومات را راجع به وضعیت محابس از سازمان عفو بین المللی بدست آوردند و هم چنان مدت زمانی را که در توقیف بدون محاکمه بسر می‌برند. در ماه اپریل 2003 هشت تن از اعضای کمیسیون توقیف گاه ها را دیدار نمودند به منظور اینکه اوضاع محبس و قضایای محبوسین را ارزیابی نمایند. کمیشنرها از توقیف گاه ها دیدن نمودند. کمیسیون مستقل حقوق بشر یک هیئت چهار بر هشت مامورین بود. این یک ابتکار بسیار خوب بود، ولی این هیئات نه بی طرف بودند و نه هم مستقل. این مامورین که از پنج ولایات شمالی دیدار نمودند شامل اعضای ستره محکمه نماینده وزارت امور داخله، نماینده وزارت امور عدلیه، یک نماینده از حارنوالی و یک نماینده از NSD و هم چنان نماینده از کمیسیون مستقل حقوق بشر بود. هر گاه از محابسی دیدار نمودند که زنان نیز در آن نگهداری گردیده است یکی از نماینده گان ریاست امور زنان همان محل نیز حضور داشت. سازمان عفو بین المللی مشوش از اینست که بیشتر این مقامات که درین مامورین ها سهم دارند و خیلی علاقمند بودند تا نظر به موقف شان یکتعداد محبوسین را از توقیف رها سازند، و این انتخاب

در هر ولایت به آنها بود، بجای آنکه پی‌شنهادات خوی‌شرا به پروسه کار و پی‌شنهاد برای تغیرات در از مدت که بر بنیاد حقوق بشر استوار می‌بود می‌دارند.

### پاورقی

47 قانون 77. قوانین ملل متحد برای تحفظ نوجوانان محروم شده از آزادی.  
48 اصل (7) اصول در مورد معمانعت موثر و تحقیق در مورد اعدام های غیر قانونی، خودسرانه و صحرایی می‌باشد.

### پی‌شنهادات

دولت انتقالی افغانستان به کمک جامعه بین المللی بایند:

- یک می‌کانونم موثر جوابدهی را به وجود آورد تا آنها بتوانند شکایات را درج نموده و به طور موثر با آنها رسیده گی نمایند.
- مطمین گردید که هر نوع گزارش که از تخطی های حقوق بشر مانند شکنجه، تجاوز جنسی و دی‌گر سوءاستفاده های جنسی توسط کارکنان محبس اتفاق می‌افتد. بطور فوری و مستقلانه، بی‌طرفانه و راسا باید مورد تحقیق قرار گیرد. متخلفین باید فوراً به عدالت کشانیده شوند و به قربانیان باید جبران خسارت پرداخت. در قضیه تخطی های حقوق بشر باید چون جرم جنایی برخورد گردد و پروسه های مربوطه جنایی بایند تعقیب گردد. بطور کافی کی‌فرهای قوی به شمول برطرفی شخص از دفتر و یا حارنوال جنایی بایند در دسترس باشد که بحی‌ثیک عمل بازدارنده بر علیه انجام تخطی ها عمل نماید.
- ای‌جادی یک بخش تفتیشی، وقف شده، موثر، شفاف، مستقل با منابع کافی که متشکل از قضات، حارنوالان، دوکتوران، حقوقدانان و دی‌گر متخصصین بایند هم وظیفه شانرا انجام دهند و هم دیدار تفتیشی خوی‌شرا بدون اعلان قبلی از محابس و توقیف گاه های پولیس انجام دهند. این داره بایند قدرت اینرا داشته باشد تا در مورد شکایات محبوسین بر علیه کارمندان تحقیق نموده و آنها در نزد عامه جوابگو باشند. این بخش می‌تواند زیر چتر کمی‌سیون مستقل ای‌جادی گردد، آنها در صورتی‌که این کمی‌سیون علاقمند باشد تا چنین کاری را انجام دهد.
- مطمین گردید که زنان در تمام تفتیشی ها و گروه های نظارتی حضور دارند.
- برای سازمان های حقوق بشر افغانستان، بین المللی و کمک های انسانی بایند بطور منظم به تمام محابس و جاهای توقیف در افغانستان دسترسی داشته باشند.

7. رفتارهای شکنجه، ظلم و رفتارهای تحقیر کننده و ضد انسانی در تحقیقاتی که سازمان عفو بین الملل از ماه سپتمبر الی نومبر 2002 انجام شد، به محقق این سازمان گفته شد که شکنجه فقط در زمان تحقیق توسط افسران پولیس انجام می‌شود، و شکنجه چیزی نیست که در زمان اقامت در محبس بوقوع بپیوندد. بهرحال، در می 2003 سازمان عفو بین الملل گزارشی بدست آورد که هر محبوس تازه وارد به محبس ولایت کابل مورد لت و کوب قرار می‌گیرد. سازمان ما نمی‌تواند اینرا اثبات کند که چنین چیزی به تمام نفوس محبس انجام می‌شود، ولی به حق اینکه بایند از هر نوع شکنجه در مان باشند حقی است که در تمام اجراءات بدون استثنا بر آن تاکید گردیده است. افغانستان برای مدت بیش از 20 سال در جنگ مسلحانه قرار داشت، بنابراین اکثریت نفوس این کشور به خشونت ها عداوت کرده اند. برای آنکه بتوانیم با سوء استفاده های قبلی پایان دهیم آموزش بایند برای کارمندان محبس فراهم گردد و تذکر داده شود که شکنجه یک موضوع غیر قابل قبول است و در هیچ جا اجراءات وجود ندارد که شکنجه را در آن جواز دانست.

ماده پنج اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین می‌گوید که، هیچ کس نباید مورد شکنجه، ظلم و رفتارها و جزاهای تحقیر کننده و ضد کرامت انسانی ببینند. " افغانستان کنوانسیون ضد شکنج و رفتارها جزاهای ضد کرامت انسانی و تحقیر کننده را امضا نموده است لازم است که مواد این کنوانسیون اجرا گردد. سازمان عفو بین الملل نیز از توقیف شده گان اطلاع حاصل نمود که محافظ محبس انائیبه در ولایت کابل محبوسین و توقیف شده گان را لت و کوب می‌نماید. قربانیان این تخطی ها خوششان را بهانه قرار می‌دهند، آنها فقط زنان

را با سبلی زمانی میزنند که با هم جنگ کنند و یا الفاظ رکیک بکار گیرند. چنین ظلم و رفتار ضد انسانی و تحقیر کننده تحت هیچ قانونی نباید اجازه یابد.

### 7.1 استفاده از ولچک و زولانه ها

در بسیاری از محاسباتی که سازمان عفو بین الملل دیدار نمود، محبوسین با زولانه در پانگهداری می گردند به منظور جلوگیری که بر علیه معیارهای بین المللی است. قوانین معیارهای حد اقل تذکر میدهد در وسایل مقید کننده مانند ولچک، زنجیر و پیراهن های راست آهنی، هیچ گاه نباید بحیث یک جزا استفاده گردد. بر علاوه، زنجیر و زولانه نباید بحیث موانع استفاده گردد. 49

دو نوع آهن برای پاهای استفاده میشود. اول آهن های مدوری است که بدور پاهای محبوسین با قفل بسته شده است، و یک میله آهنی هر یک از این حلقه های دور پا را به هم وصل میکند که شکل 8 را بخود میگیرد. این دو آهن حدودا 50 cm طول داشته که تاوسط قد امتداد دارد و توسط یک حلقه آهنی دیگر که به یک ریسمان و یا زنجیر وصل است تا میان ران های میسرند. نوع دیگری آن همان حلقه های آهنی است که به دور پا قفل میشود ولی فقط یک میله آهنی راست است که این دو را به هم وصل می کند. آهن یک سایز دقیق دارد. بنابر این اگر مردان زیاد قد بلند و زیاد هم کوتاه باشند با پوشیدن این وسیله به مشکل مواجه خواهند شد، قطر این میله ها حدود 1.2 سانتی متر بوده و وزن مجموعی آن با حلقه های دور پا شاید 4 کیلو باشد. بعضی از محبوسینی که این زولانه ها را استفاده میکنند به دور آهن حلقه چیزیها را می پیچند تا از زخمی شدن دور پا جلوگیری شود. در استفاده از انواع زنجیر و آهن آلات درین جا ظلم و رفتار ضد کرامت انسانی و تحقیر کننده به شمار میرود که باید فوراً به آن خاتمه داد.

تجهیزات اولیه جلوگیری باید برای محاسب فراهم گردد و بخاطر آن مقامات محبس بتوانند تمام توقیف شده گان را طبق معیارهای بین المللی حقوق بشر رفتار نمایند. تمام این تجهیزات شاید بطور درست استفاده نگردد و شاید باز هم مسایلی چون شکنجه ظلم و یا رفتار های ضد کرامت انسانی را به بار آورد بنابراین آموزش استفاده از این وسایل را نیز فراهم کنند و باید مطمئن سازند خود را که کارمندان محبس در استفاده مثبت و اینکه باید این تجهیزات بدون آنکه شخص را متضرر سازد مورد استفاده قرار گیرد.

سازمان عفو بین المللی تا بحال هیچ زنی را ندیده است که ولچک زولانه شده باشد، ولی مردان زیادی را دیده که مدت های طویلی را با استفاده از این وسیله بسر برده اند. در وقتی که سازمان عفو بین الملل از NSD محبس در مزار شریف دیدن نموده از هر 14 نفر 3 نفر آنها زولانه شده بود. آنها گفتند که در جریان 6 ماه گذشته این زولانه ها را در پا داشته اند و فقط در جریان این مدت دو یا سه بار باز شده بود. معیارهای بین المللی استفاده از وسایل جلوگیری را مجاز دانسته ولی تحت اجراءات محدود و برای مدت کوتاهترین مدت آنها را اگر ضرورت باشد ولی زنجیر و آهن آلات هیچ گاه نباید مورد استفاده قرار گیرد. محمد با زولانه هایش در مرکز توقیف پولیس مدت سه ماه را سپری نموده بود در ولسوالی دهدادی، جائیکه وی دستگیر گردیده بود برادرش اسماعیل که با عین جرم دستگیر شده بود وی نیز با زولانه بود. حالا در محبس مرکزی مزار شریف نیز هر دوی شان 24 ساعت در زولانه میباشند. میرویس 26 ساله که پیش از یکماه می شود در محبس مزار شریف نگهداری میگردند نیز زولانه به پا دارد و این از آغاز توقیف اش چذین بوده است ولی بجرم دزدی در محبس میباشند و هنوز محکوم نگردیده است. وی شکایت نموده که بخاطر کار ساختمانی که در عمارت محبس انجام میدهد هیچگونه حقوقی دریافت نمی کند بخاطر همین شکایت وئی را زولانه نمودند. وی برای مدت 13 روز با زولانه های راست بود و بعداً وی برای مدت 17 روز از نوع دیگری زولانه ها استفاده نموده است.

طبق قوماندان محبس، محبوسینی که بدانیم آنها می خواهند با مقامات چلنج نمایند آنها را زولانه خواهیم کرد.

### 7.2 جزا های که از حقوق بشر تخطی می کنند

قوانین معیارهای حد اقل 27-31 ذکر نموده است که چطور میشود نظم را در یک محبس برقرار ساخت و هر اختلاف چطور مجازات شود. بخصوص که، نظم در صورتی امکان دارد بتواند در یک قالب جابجا شود، ولی نه با محدودیت های زیاد که ضرورت یک توقیف مصوون را دارد و یک زنده گی اجتماعی نظرم یافته. هیچ محبوسی نباید بخاطر مسایل انضباطی جزا ببیند، مگر طبق قانون که در آن نوع جرم در گناه شرح



داده شده باشد و تعیین جزا نموده باشد بخاطر آن تقصیر و شناخت یک مقامی که بتواند چنین جزا را اجبار نماید.

هر محبس باید قوانین و قواعد شانرا به شکل شفاهی و یا کتبی به محبوسین تازه وارد بدهد و در پهلوی آن در مورد جزا انضباطی ممکن نیز معلومات دهد. این جزا نباید شامل شکنجه، ظلم و یا جزا های ضد کرامت انسانی باشد. سازمان عفو بین المللی نگرانی دارد که شاید محبوسین مورد ظلم و جزا های ضد کرامت انسانی قرار گیرند هر گاه از قوانین شفاهی سرپیچی نمایند. در محابس سراسر کشور، معلوم می شود که کدام قانونی وجود ندارد، قوانین خودسرانه تجویز می گردد و طبق خواست و فیصله افسران بطور انفرادی اجرا می گردد.

در محبس قندهار، قوانین برای محبوسین اینست که: جنگ و دعوا نکنند، مواد مخدر استفاده نکنند، قمار بازی نکنند و دیگرم را انجام ندهند، محبس را پاک نگهداری کنند و خود را نیز. اگر آنها از قوانین سرپیچی کنند، شخص مذکور به سلول انفرادی (کوته فلفی) انداخته می شود، و از دیدن ملاقاتی اش محروم خواهد بود. و امکان دارد که توسط جاروب نیز مورد لت و کوب قرار گیرند، نظر به گفته های قوماندان محبس، در توقیف ولایت کابل، قوانینی که باید اجرا شوند قرار ذیل است:

از قوانین محبس سرپیچی نکنند، مواد مخدر استفاده نکنند، با همدیگر جنگ نکنند. هرگاه کسی از قوانین سرپیچی نماید جزاهای که انجام شده شامل، با کیپل لت و کوب می شوند، و یا آب سرد بالای شان ریخته می شود.

سازمان عفو بین الملل هم چنان نگرانی دارد از اینکه توقیف شده گان بر محبوسین دیگرم نظارت می کنند و اگر چیزی مخالف قانون محبس انجام دادند جزا می بینند. در محابس هرات و مزار شریف و کابل تفتیش (باشی) محبوسین از میان خود توقیف شده گان انتخاب می گردد. آنها وقتی که دیگرم محافظ نباشد از محبوسین نگهداری می کنند. این نامعلوم است که این مردان چطور انتخاب می گردند. در ولایت کابل سازمان عفو بین الملل یکی از همین مردان را دید که به منظور انضباط نمودن دیگرم محبوسین چوب با خود حمل می کرد. و تا جایی هم حقوق قبول نشده بخاطر حق نداشتن شکنجه جسمی و روحی، معیارهای بین الملل تقرر یک محبوس را بخاطر ایجاد نظم بر محبوسین دیگرم منع می کند.

### 7.3. شایعات در مورد سوء استفاده جنسی

سازمان عفو بین الملل نگرانیهای شدید خویشترا در مورد دسترسی به مراکز توقیف و محبس انانثیه ابراز داشته است. طبق معیارهای بین المللی، هیچ کارمند مرد نباید دلخل بخش زنانه گردد تا وقتی که توسط یکی از محافظین زن همراهی نگردد. 51 سازمان عفو بین الملل گزارشهای بدست آورد که کارمندان پولیس در کابل قادر اند که داخل توقیف خانه زنانه در هر وقت گردند. شاید این همان اتهامی باشد که در مورد سوء استفاده جنسی که در ولایت کابل و محبس هرات اتفاق افتاده باشد. این باید بحیث یک اولوویت در نظر گرفته شود تا مصوونیت زنان در توقیف و بند را تامین نماید. تحفظ باید قسمی باشد که تحفظ را برای زنان تامین نمایند و هر هوع اتهام تجاوز جنسی و سوء استفاده جنسی جنسی باید بطور فوری تحقیق گردیده و مرتکبین این اعمال باید پای میز عدالت کشانده شوند. در مزار شریف قسمی که در بالا ذکر شد، سازمان عفو بین الملل از زنان دریافت که حارنوال سلب آزادی آنها را مورد سوء استفاده جنسی قرار می دهد، این موضوع در اخی ماه نوامبر 2002 گفته شده بود.

### 8. توقیف خود سرانه

یکی از حقوق بنیادی که به همه مردم داده شده است حق آزادی است. در اینجا معیارهای واضح وجود دارد که متقاضی احترام به حقوق بشری اشخاص می باشد که تحت دستگیری اند. معیارهای بین المللی تقاضا می کنند که تمام اشخاص محروم شده از آزادی باید در یک محل شناخته شده و رسمی توقیف که توسط قانون ملی

تائید گردیده باشد نگهداری کردند و باید به مقابل مقامات عدلی بطور فوری بعد از توقیف آورده شود. طبق قانون ملی افغانستان، پولیس می‌تواند یک شخص مظنون را برای 24 الی 72 ساعت توقیف نماید و این تمدید از 24 به 72 ساعت باید طبق هدایت حارنوال صورت گیرد. باز هم پولیس باید برای یک هفته اگر وقت را تمدید می‌کند از حارنوال یا قاضی امر تمدید را بگیرد. بعد از این مدت مظنون یا باید متهم گردد و یا رها. هیچ محدودیتی زمانی بالا توقیف در معیارهای بین المللی داده نشده ولی تقاضا نموده است که توقیف شده باید بدون تاخیر به مقابل قاضی و یا مقام با صلاحیت عدلی آورده شود. ولی کمیته حقوق بشر ملل متحد سوال نمود که شخص می‌تواند برای 48 ساعت در توقیف بماند بدون آنکه در مقابل قاضی آورده شود زیرا این مدت طولانی نمی‌باشد. 52 بهرحال، در افغانستان سازمان عفو بین المللی یکتعداد اشخاصی را مصاحبه نمود که برای ماه‌ها در محبس نگهداری شده اند، بدون آنکه در مقابل قاضی آورده شوند.

در ماه اکتوبر 2002، در محبس مزارشریف سه قسمت از نفوس محبوسین منتظر به محاکمه می‌باشند. در محبس مرکزی قندهار از هر نه نف چهار نفر آن به دزدی متهم می‌باشند و بیش از ده ماه می‌شود که در محبس اند و منتظر اند که تعیین تکلیف گردند. در ولسوالی کوهسان ولایت هرات به سازمان عفو بین الملل گفته شد که مردم در آنجا بیشتر از چهار ماه می‌شود در توقیف نگهداشته شده اند و هنوز به مرکز ولایت هرات انتقال نیافته اند، که این مدت به طور نا مناسب طولانی می‌باشد. حتی این رقم آنچه است که در جریان صحبت با محبوسین گفته شده و کسانی هم بوده اند که بیشتر از این مدت را نیز بسر برده اند.

### 8.1 محبوسینی که تاریخ رهایشان گنشته و رها نشده اند

قوانین معیارهای حد اقل تذکر می‌دهد:

"در هر جای که اشخاص تحت حبس اند در آنجا باید یک کتاب ثبت اسامی با صفحه بندی و شماره بوده که در تعاقب آنجا باید در دو مورد هر محبوس درج باشد:

- (I) معلومات در مورد شناسایی مشخص فرد
- (II) دلیلی ارتکاب شخص و مقامات دستگیر کننده

هیچ شخص نباید در هیچ شرایطی بدون آنکه قبلاً جزئیات در موردش درج باشد تسلی می گرفته شود." 53

پاورقی

52 راپور کمیته حقوق بشر

Vol 1 (A145/40) 1990, Paragraph 33, Federation Republic of Germany

53. قانون 7، قوانین معیارهای حد اقل.

قوانین بیشتری در مورد نگهداشتن دوسیه و راجستر اطفال در توقیف، به شمول راجستر نمودن آنها در وقت داخل شدن آنها، انتقال و یا رهای و جزئیات در مورد مشکلات جسمی و روحی آنها برای دانستن، به شمول استفاده از مواد مخدر و الکول، 54.

کتاب ثبت اسامی محبوسین در همه زندانهای که سازمان عفو بین المللی از آن دیدار نمود وجود داشت. بهرحال، رهای محبوسین تنها متوانند به امر دفتر حارنوالی صورت گیرد. همچنان محبوسین باید همه جزئیات را در مورد دوره حبس (محکومیت) شان بدانند، تاخیرات در رهای می‌تواند نظر به وقت سپری شده برای اوامری که از طرف دفتر حارنوالی به آنها می‌رسد. در ولایت کابل 24 محبوس بعد از تکمیل شدن دوره حبس شان هنوز هم در محبس نگهداری می‌گردند. قوماندان محبس ولایت کابل به سازمان عفو بین الملل گفت که امر رهای اینها باید از حارنوالی بیاید. یکی از محبوسینی که وقت رهایش گذشته بود رنج از سیمایش پیدا بود. وی را به زولانه کشیده بودند تا خود و دیگران را زخمی نکند. محبوسین به مجردی که وقت حبس شان به اتمام می‌رسد باید رها گردند. ثبت تقریبی آنها که نگهداشته شده اند، دوره حبس (محکومیت) و تاریخ رهای آنها باید حفظ گردد. ارتباط میان دفتر حارنوالی و اداره محبس باید انکشاف یابد تا تسهیلاتی را برای رهای فوری محبوسین فراهم کند.

**8.2. دیگر مقامات دولتی نیز دارای محبس می‌باشند**

سازمان عفو بین الملل نگران است زیرا بعضی از مقامات دولتی مردم را بدون کدام اساس قانونی و یا مسوولیت توقیف می‌نمایند و زیر بنا های قانونی پولیس ملی و سیستم محبس را متزلزل می‌سازند. توقیف و تحقیق باید فقط در دستگاه های رسمی دولت صورت گیرد ایجاد و توسعه توقیف گاه های مخفی باید خاتمه یابد. 55 گزارشگر مخصوص شکنجه پیشنهاد نمود که " نگهداشتن یک شخص توسط مقامات در جاهای مخفی و یا غیر رسمی باید یک جرم قابل جزا پندناشته شود. هر نوع شهادت توسط توقیف شده که در یک جای غیر رسمی و مشخص نشده توسط توقیف شده ارایه می‌گردد. و آنها در جریان تحقیق در یک محل رسمی نباید بحیث شهادت در محکمه از آن استفاده شود. 56

طبق معیار های بین المللی، " دستگیری، توقیف و حبس باید تحت محدودیت های صورت گیرد که مطابق به مواد قانون و توسط مقامات با صلاحیت یا شخص تقرر یافته به این منظور، صورت گیرد و هر نوع توقیف و یا حبس و تمام معیار های که حقوق بشر یک شخص را تحت هر نوع توقیف یا حبس متاثر می‌سازد و یا تحت یک کنترول موثر یک مقام عدلی باشد. 57 اینطور به نشر می‌رسد که چندین مقامات دولتی مردم را بدون داشتن کدام اساس قانونی توقیف می‌کنند، و این توقیف گاه ها هیچ گاه توسط کدام قاضی تفتیش و نظارت نمی‌گردد.

**8.2.1. اداره امنیت ملی**

اداره امنیت ملی (NSD) افغانستان که بخش اطلاعات سری می‌باشد، که در نظری مستقیم به رئیس دولت گزارش می‌دهد، آنها توقیف ها و دستگیری ها را در سراسر کشور انجام می‌دهند.

**پاورقی**

54 قانون، 21 قوانین ملل متحد برای تحفظ نوجوانان محروم شده از آزادی

55 گروپ اصول، اصل (2) 11 و 20

56 گزارشگر مخصوص ملل متحد در مورد شکنجه، گزارش به شورای ملی، اسناد ملل متحد.

A/56/156, Paragraph 39 (d) 3, July 2001

57 گروپ اصول، اصل 2 و 4

و هنوز این واضح نیست که آنها روی چه اساسات قانونی عمل می‌کنند. 58 این سیستم اطلاعات سری از زمان کمونیست ها قانونیت دارد.

فقط در کابل گزارش های گسترده وجود دارد که دست کم 2 محبس مربوط امنیت ملی وجود دارد، یکی آنها محبوسینی را نگهداری می‌کند عضو القاعده و طالبان اند. و در محبس دیگری زندانیان سیاسی که گفته می‌شود مخالفین دولت انتقالی اسلامی افغانستان اند نگهداری می‌گردند. سازمان عفو بین الملل قادر گردید تا به زندان اولی سر بزند. تمام توقیف شده گان این محبس اتباع خارجی اند. سازمان عفو بین الملل محبوسینی را از کشور های پاکستان، ازبکستان و دیگر کشور ها ملاقات نمود. این محبوسین روز دو بار اجازه دارند تا در داخل دهلیز قدم بزنند و هفته دو بار در حویل کوچک اجازه قدم زدن را دارند. صلیب سرخ و ایمرجنسی به این توقیف گاه ها دسترسی دارند. بیشتر از یکسال است که آنها در توقیف بسر می‌برند و تا بحال محاکمه نشده اند. وضعیت و رفتار با محبوسین محبس دوم نا معلوم است. همچنان سازمان عفو بین الملل قادر بود که از محبس امنیت ملی مزار نیز دیدن نماید. یکی از مقامات ارشد گفت که قتلادین زندانها ظلم و شکنجه بی‌شماری می‌شده است. که این موضوع توسط قانون ملی اکیدا ممنوع قرار داده شده است. به سازمان عفو بین الملل گفته شد که کارمندان بخاطر گرفتن اعتراف اشخاص را شکنجه می‌کنند، برای آنکه ما به تجهیزات مدرن دسترسی نداریم، تا تحقیقات مانرا به تخریک، آموزش و تعلیمات مدرن انجام دهیم.

آغا جان در ماه سپتامبر 2002 توسط امنیت ملی دستگیر گردید، وی برای بیشتر از یکماه توقیف بود، درین مدت وی به شدت شکنجه شده بود. شانه های وی بسته در چشت بوده دستها و پاهایش در تمام این مدت

بسته بود. یک چوب را میان دو دست اش جابجا کرده بودند و به شکل صلیب او را از سقف آویزان نموده بودند. وقتی که وی به این حالت بود مورد لت و کوب قرار گرفت. طبق مقررات و اجراءات آغا جان بدون کدام بنیاد قانونی دستگیر شده بود تا از فامیل وی پول بدست بیآورند. سازمان عفو بین الملل قادر نشد تا دریابد که امنیت ملی قدرت اینکه یک شخص را دستگیر و توقیف کند آیا توسط قانون امر شده و تأکیدی که برای واضح ساختن اساس قانونی توقیف دوما در امنیت ملی است باید ارایه گردد.

### 8.2.2. توقیف گاه وزارت امور داخله

سازمان عفو بین المللی نگرانی اش را در مورد موجودیت مرکز توقیف در تعمیر وزارت داخله در کابل ابراز داشته است. در یک ملاقات سازمان عفو بین المللی در ماه نومبر 2000 و جنرال جرأت رئیس نظم عامه وزارت داخله از موجودیت چنین توقیف گاهی سخن گفت و وی از طرف دیگر همکاریش رد کردید. سازمان عفو بین المللی چنین شنید که این مرکز توقیف یک جای "تاریک خانه" می باشد و اینرا محبوسین سابقه گفتند.

توقیف شده گانی که در آنجا نگهداری می کردند شامل محبوسین سیاسی نیز می گردد، و قبل از انتقال به محبس ولایت کابل در این محل نگهداری می کردند. این هنوز نامعلوم است که چرا بعضی از محبوسین به این توقیف گاه آورده می شوند، ولی فکر می شود که محبوسین این مرکز توقیف توسط جنرال جرأت و 5000 نفر مسلح وی دستگیر می کردند. بهرحال، وقتی که سازمان عفو بین المللی زاین مرکز توقیف دین نمود در ماه می 2003 یک کارمند عالی رتبه ریاست جنایی ادعا نمود که وی برای مدتی مسوولیت این توقیف گاه را به عهده داشته است. این توقیف گاه شامل یک اطاق سه بر هفت متر که توسط یک دهلیز به ریاست جنایی و تحقیق متصل می گردد. سه تا چپرکت دو منزله، با وسایل رختخواب ابتدایی. وقتی که سوال کردید چرا مردم ره اینجا آورده می شوند تا به مرکز توقیف رسمی مقامات ریاست جنایی و تحقیق چنین جواب دادند "این جای رسمی است، و برای موقت می باشد". دو نفر به سازمان عفو بین الملل گفتند که آنها مدت چهار روز می شود که در آنجا نگهداری گردیده اند. یازده نفر دیگر ای که در وقت ملاقات سازمان عفو بین الملل در همانروز رها گردیده بودند. بنیاد رسمی این مرکز باید واضح شود و هر گاه این بطور غیر رسمی فعال است، باید بطور فوری مسدود شود.

### پاروقی

58 برای معلومات بیشتر لطفا به گزارش سازمان عفو بین الملل در مورد افغانستان بازسازی پولیس برای تحفظ حقوق بشر ضروری است ( AI Index:ASA11/003/2003 )

### 8.2.3. توقیف گاه نظامی

سازمان عفو بین الملل گزارشهای را بدست آورد که در آنجا مراکز توقیف نظامی در سراسر کشور وجود دارد و این هنوز هم روشن نیست که بر اساس کدام قانون اینها فعالیت می نمایند. در بامیان، واقع در مناطق مرکزی افغانستان که در نومبر سال 2002، سازمان عفو بین الملل با مردی صحبت نمود که وی را در یک مرکز نظامی توقیف نموده بودند که بحثی که موضوع بالقوه به محبس رسمی که قبلا از بین رفته است می باشد. در کابل دو مردی که توسط سازمان عفو بین الملل در وزارت داخله مصاحبه شد گفتند که آنها مدت پنج روز را در یک محبس نظامی واقع در مکروریان گذشتاند. منطقه ای که در داخل کابل می باشد. اینها درین مدت در یک زیر زمینی نگهداری می گردیدند و حتی یکبار هم به اینها اجازه بیرون رفتن را نمی دادند. این مردان فکر نمی کنند که به فامیلهای شان اطلاع داده باشند که اینها کجا هستند و آنها حق ملاقات را نیز ندارند (منوع الملاقات) اند.

چنین محاسب با مراکز توقیفی که به طور غیر قانونی فعالیت می نمایند باید مسدود شوند.

### 8.3. مقامات غیر دولتی نیز دارای محبس اند

سازمان عفو بین الملل گزارشهای زیادی را مبنی بر موجودیت "محابس شخصی" بدست آورده است که در سراسر کشور وجود دارد. گسترش موجودیت چنین یک سیستم غیر رسمی موقوف دولت انتقالی را بخاطر ایجاد قانونیت به خطر مواجه ساخته و در اجراءات قانون و سیستم حکومت های ولایتی یک خلاء را ایجاد خواهد نمود. در اینجا هیچ مسوولیتی در مورد وضعیت طرز برخورد بامحبوسین وجود ندارد و هیچ وضاحتی هم در مورد تعداد و شناخت آنهاست که درین محابس نگهداری میگردند وجود ندارد. تخلقات حقوق بشر توسط این گروهها انجام میشود که شامل دستگیری های خودسرانه و توقیف غیر قانونی میباشد.

سازمان عفو بین الملل شواهدی را بدست آورد که افرادی که با دولت اسلامی انتقالی افغانستان در تماس اند مردم را در توقیف خانه های شخصی نگهداری می کنند که مربوط دولت انتقالی افغانستان نیست. ادارات مختلف غیر رسمی توقیف خودسرانه انجام میدهند که با خصومت های شخصی یا سیاسی را در بر دارد و با هم مربوط به باجگیری میشود. با خیلی اشخاص که سازمان عفو بین الملل صحبت نمود در قندهار گفتند که دولت افغانستان باید توسط جامعه بین المللی حمایت گردد تا (ساختار غیر قانونی) از میان برداشته شود. قوماندانان محلی با صلاحیت برای داشتن توقیف گاه های شخصی مشهور اند. در شهر قندهار سازمان عفو بین الملل گزارشهای را توسط پولیس بخاطر قضایای مفقود الاثر شدن بدست آورد که مربوط به توقیف مردم در جاهای شخصی میگردد. بنابر موقوف غیر رسمی آنها، سازمان عفو بین الملل قادر نشد تا ازین زندانها دیدن نماید ولی موفق گردید تا با یک تعداد از مردم صحبت نماید و تائیدی را در مورد موجودیت چندین مراکز توقیف شخصی در قندهار و هم چنان در دیگر مناطق بدست آورد. گزارش میافزاید، مردم که درین "محابس شخصی" توقیف گردیده اند معمولاً شکنجه میشوند. همچنان، بنابر عملیات های محاصره خفی آنها، سازمان عفو بین الملل قادر نشد تا معلومات بیشتری را در مورد شرایط و رفتار با محبوسین این مراکز بدست آورد.

سازمان عفو بین المللی قضیه گلپهار محمد را که در اواخر سپتامبر 2002 توسط افراد والی قندهار دستگیری گردیده بود و متهم به همکاری با طالبان بود. وی یک تجار بود و قبلاً نیز بنابر دلایل نامعلوم دستگیری گردیده بود را شد البته بعد از پرداخت پول برای کسانی که وی را دستگیری نموده بودند. مردم از قریه آقای گلپهار برای ملاقات اش آمدند و اجازه یافتند تا او را ملاقات کنند. آنها گفتند که وی در یک کانتینر نگهداری میگردید. بدن اش نشان دهنده علایم شکنجه روحی و جسمی بود. به کمر وی شلاق زده بودند و او را به ولچک و زولانه کشیده بودند. در اوسط ماه اکتوبر، اعضای قریه رفتند تا او را دوباره ملاقات نمایند ولی وی آنجا نبود.

سازمان عفو بین الملل نگرانیهای خویشرا در مورد این ودیگر قضایا با مقامات محلی قندهار در میان گذاشت.

حکومت انتقالی افغانستان باید توقیف در جاهای که خارج از سیستم رسمی عدلی جنایی میباشد جلوگیری نماید و در اولویت کارهایشان قرار دهد. در ماه اکتوبر 2002 یک ار از طرف دولت مرکزی داده شد مبنی بر بسته شدن تمام توقیف گاه های غیر رسمی ولی نظر به معلومات سازمان عفو بین الملل چنین اقدامی صورت نگرفت. سازمان عفو بین الملل به شنیدن درجات شکنجه روحی و جسمی ادا خواهد داد. این زندانهای شخصی سیاه چال های قانونی است که باید بسته شوند.

#### 8.4. توقیف توسط قوای امریکایی جزء از "جنگ با تروریسم"

قوای امریکایی در افغانستان اشخاصی را که مظنون در "جنگ با تروریسم" شرکت داشته اند توقیف مینماید. سازمان عفو بین الملل بارها نگرانیهای شانرا در مورد توقیف گاه و وضعیت آن که واقع در میدان هوایی بگرام که در 40 کیلومتری کابل موقعیت دارد ابراز داشته است. 59 صلیب سرخ جهانی به این مرکز توقیف دسترسی دارد اما به سازمان ما اجازه دسترسی به این مرکز توقیف را ندادند. سازمان عفو بین الملل هم چنان نگرانی شدید در مورد قوای امریکایی که در ولایات جنوبی والی ولایات را که متخلفین حقوق بشر اند حمایت میکند ابراز میدارد.

بحیث یک بخش (جنگ با تروریسم)، قوای امریکایی به جستجو برای پیدا نمودن بقایای طالبان والقاعده در بخش های جنوبی و شرقی افغانستان ادامه میدهند. در قندهار سازمان عفو بین الملل گزارشتی را بدست آورد مبنی بر اینکه قوای امریکایی هر آنکسی را دستگیری می کنند که والی آنها را تروریست بداند. در

ولایت قندهار، سازمان عفو بین الملل با عبدالله صحبت نمود یکی از 34 افرادی می‌باشد که مربوط به اردوی افغانستان بودند و توسط قوای امریکایی در شب 17 مارچ 2002 دستگیر گردیدند. بالاتر از 60 نفر مسلح با اسلحه ثقیله و خفیفته بالای خانه اش یورش آوردند. این افراد در صدد دفاع نبر آمدند و عقیده بر این داشتند که شاید والی آنها را به منظور خاص فرستاده است مگر، مردان دستها و پایهایشان را بستند با زنجیرهای پلاستیکی و آنها را به مقر قوای امریکایی در قندهار انتقال دادند. در آنها را به قطار ایستاده نمودند و بعدا امر شد تا رو به زمین بخوابند و جایی که آنها برای ساعت ها خوابیده بودند. در جریان این مدت، عبدالله را شکم لگد نمودند. تمام مردان با کلاه سرهایشان را پوشانیده بودند و توسط سگها تلاشی می‌شدند. این تابلال نامعلوم است که چرا این مردان توقیف شده بودند. این مردان بعد از سه روز رها شدند. رفتار قوای امریکایی بر خلاف فرهنگ افغان ها می‌باشد، زیرا تمام قسمت های بدن این مردان توسط زنان ترانیده شده بود، که روحا این مردان را ضربه زده بود، فقط یکتن از این مردان توانست که بعد از توقیف اش دوباره به کار برگردد. سازمان عفو بین الملل شدیدا در مورد اظهارات ای که در باره شکنجه روحی بدست آورده است، ابراز می‌دارد. این سازمان عقیده دارد که چنین رفتار در حقوق جهانی بشر و قانون معیارهای انسانی تخطی شمرده می‌شود.

### پاورقی

59 سازمان عفو بین الملل نگرانیهای شانرا در مورد توقیف گاه بگرام جدید اش ابراز داشته است.

### پیشنهادات

#### دولت اسلامی انتفالی افغانستان باید:

- محبوسینی را که محکومیت شانرا سپری نموده اند رها کند. این موضوع با داشتن یک کتاب ثبت می‌تواند تسهیل باید. در تمام کتاب های رجستر، باید فرق میان توقیف شده گان قبل از محاکمه و محکوم شده گان بوجود آید.
- تمام توقیف گاه های غیر رسمی باید بطور فوری بسته شود و تمام مقامات باید دستگیری را مطابق به قانون انجام دهند.
- نظمین نماید که ریاست امنیت ملی دستگیری و توقیف را انجام نمی‌دهد و توقیف خارج از صلاحیت کاری اش در نظمین اینکه با قانون و با مشوره پولیس صورت گیرد.
- تمام محبوسین که بخاطر اجرای فعالیت های حقوق بنیادی انسانی بطور صلح آمیز انجام داده اند، باید رها گردند.
- نظمین نماید که هیچ کس مورد دستگیری و توقیف خودسرانه قرار نمی گیرند، بخاطر بی‌بانات غیر تخطی شده در مورد عقیده و فکر شان.

#### حکومت باید:

- معلومات فوری را در مورد دلیل توقیف اشخاص، محل توقیف و نیز در مورد پروسه قانونی شان به اعضای فامیل و تمام کسانی که در توقیف US (آمریکاییها) قرار دارند فراهم آورد.

#### 9. عدم موجودیت آگاهی از حقوق

درینجا عدم آگاهی به شکل گسترده آن وجود دارد و مردم در توقیف نمی دانند که مطابق قانون ملی و بین المللی دارای چی حقوق می‌باشند. اکثریت محبوسینی که توسط سازمان عفو بین الملل مصاحبه شدند از حقوق شان آگاه نبودند. اعضای فامیل محبوسین تا جای ممکن برای شان معلومات فراهم نمی کنند در مورد قضایای شان ولی آنها نمی توانند معلومات در مورد حقوق محبوسین بدهند که در قضایای شان از کدام معیارهای محاکمه منصفانه باید استفاده شود.

UNAMA یوناما کاپی های معیارهای قوانین اصغری را ترجمه نموده است که باید در سراسر کشور توزیع گردد، و ذریعه این شاید بتواند محبوسین را از حقوق شان آگاه سازد و نیز تحفظی را با رهنمایی اینکه چطور عمل کنند فراهم نموده است. بهر حال، یک کمپاین آگاهی درازمدت باید تمام معلومات را به مردم در مورد حقوق شان تدارک ببیند. تمام محبوسین باید از حقوق شان آگاهی یابند.

#### پی‌شنهادات

#### دولت اسلامی انتقالی افغانستان به حمایت جامعه بین المللی باید:

- سطح آگاهی عامه و کمپاین آموزشی را در سطح ملی انکشاف دهد، تا متظمن آن باشد که مردم از حقوق شان در مورد دستگیری و توقیف آگاهی یابند.
- منابع را روی کار آورد که تعلیمات حقوق بشر را و پروگرام های انکشاف آگاهی را به شمول ایجاد چینل های ارتباطی شفاهی مانند رادیو را روی دست گیرد، زیرا سطح بی‌سوادی در کشور بلند است.

#### 10. پی‌شنهادات سازمان عفو بین المللی به منظور ایجاد یک سیستم محبس در افغانستان که بر مبنای حقوق بشر استوار باشد:

جامعه بین المللی باید تعهدی را در مورد بازسازی سیستم محبس در افغانستان روی دست گیرند. سازمان عفو بین الملل در مورد عدم موجودیت منابع که جهت بازسازی سیستم محبس ضروری است شدیداً نگران بوده و به هر نوع مساعدت جامعه بین المللی در مجموع برای سیستم عدلی جنایی را یک گام نیک میداند.

بدون کمک های درازمدت و حمایت جامعه بین المللی، اداره انتقالی افغانستان قادر نخواهد بود تا معیارهای بین المللی حقوق بشر را در محابس افغانستان تامین نماید. باید تلاش صورت گیرد تا سیستم محبس در افغانستان بر اساس حقوق بشر استوار گردد.

#### 10.1. پی‌شنهادات

#### صلاحات قانونی

#### دولت اسلامی انتقالی افغانستان به همکاری جامعه بین المللی باید:

- در جریان کار قوانین، قانون اساسی و عدلی باید قواعد حقوق بین المللی بشر بطور رسمی و فوری با تقاضا در قوانین افغانستان اصلاحات صورت گیرد.

#### انتقال اداره

#### دولت اسلامی انتقالی افغانستان باید:

- یک پلان انکشافی را برای اصلاح سیستم محابس در نظر گیرد. این پلان باید در بر گیرنده ضروریات تمام کشور باشد، نباید تمام توجه ها به کابل مبدول گردد.
- یک ضرب العجل تعیین گردد تا انتقال مسوولیت محابس به طور مکمل صورت گیرد. نظارت صورت گیرد تا ضمانت نماید از اینکه ضرب العجل بطور دقیق صورت گرفته است.
- تمویل کننده گان همراه با متخصصین در جهت فراهم آوری تسهیلات ای که بتواند قانون و معیارهای حقوق بشر را درین پلان در نظر گیرند، همکاری نمایند.

#### سوابق محبوسین

دولت اسلامی انتقالی افغانستان با کمک جامعه بین المللی باید:

- ضرورت منابع برای ایجاد توقیف گاه های جدا گانه برای زنان و اطفال در سراسر کشور.
- ایجاد مراکز احيای مجدد برای معتادین. با داشتن کارمندان آموزش یافته، تا بتوانند برای معتادین تداوی لازم را فراهم نمایند.

#### منابع

دولت اسلامی انتقالی افغانستان باید:

- منابعی را فراهم نمایند که محابس اعمار شوند و شرایط زندانها مطابق به معیارهای بین المللی قانون حقوق بشر باشد و توجه خاص باید به محابس خارج از کابل مبذول گردد.
- عمل فوری و موثر باید طبق یافته های کمیسیون عدلی قضایی اتخاذ شود و این سروی میتواند تضمینی باشد برای تمویل کننده که معیارهای حقوق بین المللی بشر را مورد تأیید قرار دهد.

#### مسایل کارمندان

دولت اسلامی انتقالی افغانستان به کمک جامعه بین المللی باید:

- مساعدت مالی فراهم گردد، تا حقوق ماهیانه (معاشات) کارمندان محبس بروقت اجرا گردد. و معاش یک کارمند همان اندازه باشد تا بتواند کفاف یک خانواده متوسط را بنماید.
- یک میکانیزم دقیق و موثری بوجود آید تا بتواند معاشات همه کارمندان محبس را در سراسر کشور بروقت ارسال و اجرا نماید.
- آموزش سراسری برای کارمندان محبس در نظر گرفته شود. حقوق بین المللی بشر و قانون معیارهای بشر دوستانه و اجراءات آن باید جز لاینفک و دایمی این آموزش ها باشد. این باید شامل آموزشی باشد که چطور میتوانیم قطعنامه های بین المللی را که افغانستان جز آنست بکار گیری و چطور میشود که مواد بین المللی را که با سیستم محابس در ارتباط است تعقیب نمایم.
- آموزگاران را که در مورد این معیارها آموزش دیده اند تشویق نمایند تا در پست های شان بخاطر انکشاف شغلی باقی بمانند، زیرا سیستم محابس به موجودیت متخصصین ضرورت دارد.
- زنان باید در بخش های مربوط مقرر گردند و تحت آموزش قرار گیرند. پروگرام های فعال جهت استخدام ایجاد گردد و بخصوص طوری طرح گردد تا زنان بیشتری را تشویق کند که به سیستم جزایی بپیوندند.
- آموزش های خصوصی در مورد حقوق و ضروریات اطفال فراهم نمایند.
- آموزش های جهت اینکه با قربانیان جرایم بطور حساس برخورد کردند فراهم شود، به شمول زنان و اطفال قربانی ای که مورد خشونت های جنسی قرار گرفته اند.
- سیستمی را ایجاد کنید تا پروگرام های آموزشی را نظارت و مورد بررسی قرار دهد. مقیاس ارزیابی برای موفقیت پروگرام های آموزشی، به شمول ارزیابی کارآموزان تفاهم و تعهد به معیارهای حقوق بشر باید در آغاز آموزش در نظر گرفته شود تا ضمانتی باشد برای آموزش دروس قبلی و آن دروسی که در آینده در پروگرام آموزشی بکار خواهد رفت.
- تمام آموزش ها باید با ایجاد یک میکانیزم موثر جوابدهی در ارتباط باشد.

#### اسلحه در محبس

دولت اسلامی انتقالی افغانستان با کمک جامعه بین المللی باید:

- نقش پولیس محبس را روشن ساخته و یک سلسله مراتب واضح راپور دهی را بوجود آورند.



- نیاید کارمندان محابس ملکی (غیر نظامی) مسلح باشند.
- باید تمام اسلحه ای که در حال حاضر در محابس استفاده می‌گردد جز پروسه یی خلع سلاح، جمع آوری و تکمیل نمودن پروگرام خلع سلاح باشند.

#### وضعیت محبس

#### پلچرخ

#### دولت اسلامی انتقالی افغانستان به کمک جامعه بین المللی باید:

- پروگرام ها جهت احیای مجدد محبوسین در محبس پلچرخ ایجاد گردد.
- مطبخی اعمار گردد، تا برای محبوسین غذای کافی طبخ نماید.
- برای محبوسین زندانها آب کافی و روشنائی کافی برای سلول های نگهداری محبوسین در نظر گرفته شود.
- توجه خاص به ضروریات محابس خارج از کابل میذول گردد. کمک های مالی باید بحیث یک ضرورت اولیه به محابس ولایت در نظر گرفته شود.

#### تمام محابس

#### دولت اسلامی انتقالی افغانستان به کمک جامعه بین المللی باید:

- منابعی فراهم گردد تا محابس جداگانه ای در سراسر کشور برای زنان اعمار گردد.
- باید زنان در توقیف گاه های جداگانه ای نگهداری گردند، جائی که محبوسین مرد نتوانند آنها ببینند و یا به آن دسترسی داشته باشند.
- منابعی فراهم گردد تا شرایط زندان ها طبق معیارهای بین المللی عیار گردد. توجه خاص باید برای بوجود آوردن جای مناسب، روشنی، سیستم تهویه هوا و گرم نمودن اطاق ها میذول گردد.
- منابعی فراهم گردد تا غذای با کیفیت برای تمام محبوسین و توقیف شده گان و کارمندان محبس فراهم گردد.
- برای تمام محبوسین مراقبت های صحی فراهم گردد، و اگر ضرورت افتد در شفاخا بستری گردند. برای آنکه به وضعیت جاری خاتمه داده شود، منابعی فراهم گردد تا برای بخش صحی محبس ادویه و تسهیلات کافی فراهم گردد.
- محابس باید کاملاً پاک نگهداری شوند و کثافات از منبع آب دور نگهداشته شود.
- تمام محبوسین باید به آب کافی دسترسی داشته باشند.

#### دیدارهای خانواده ها

#### دولت اسلامی انتقالی افغانستان به کمک جامعه بین المللی باید:

- تمام محبوسین باید بطور منظم اجازه یابند تا با خانواده هایشان بطور منظم ملاقات نمایند.

#### احیای مجدد

#### دولت اسلامی انتقالی افغانستان به کمک جامعه بین المللی باید:

- ایجاد زمینه آموزش های مسلکی و احیای مجدد برای محبوسین.
- آموزگاران مسلکی را استخدام نماید تا کورس های سواد آموزی را برای مردان و زنان و اطفال محبوس در سراسر کشور ایجاد نمایند.

- فراهم نمودن کتب و دی‌گر مواد برای مطالعه به منظور اینکه محبوسین از جهان خارج از محبس آگاهی داشته باشند.

#### بررسی

#### دولت اسلامی انتقالی افغانستان، به کمک جامعه بین المللی بای‌د:

- ایجاد می‌کنایزم موثر برای جوابدهی به منظور اینکه شکایات درج شده و با آنها بطور موثر برخورد گردد.
- در صورت رسیدن گزارشهای از تخطی های حقوق بشر چون شکنجه که شامل تجاوز و سوء استفاده های جنسی دی‌گر، توسط کارکنان محبس بای‌د بطور فوری، مستقیم، مستقل و غیر جانبدارانه مورد تحقیق قرار گیرد. مرتکبین بای‌د فوراً به میز عدالت کشانیده شده و به قربانیان بای‌د دیعت غرامت پرداخت شود. در صورت تخطی از حقوق بشر بای‌د با این موضوع چون جرم جنایی برخورد گردیده و پروسه های مربوط جنایت بطور منظم تعقیب گردد. جزاهای سنگین و قانع کننده به شمول برطرفی از دفتر یا تعقیب جنایی قرار گرفته و بای‌د بحیث یک مانع بر علیه ارتکاب تخطی ها خدمت نماید.
- یک سیستم ای‌که، موثر، شفاف، مستقل، با منبع کافی، متشکل از قاضی ها، حارنوالان، دوکتوران طب، حقوق دانان و دی‌گر متخصصین تشکیل شود تا بطور منظم، بدون آگاهی قبلی از محابس و مراکز توقیف پولیس دیدن نماید. این گروه بای‌د صلاحیت آنرا داشته باشد تا در مورد شکایاتی که محبوسین در مورد کارمندان محبس دارند تحقیق و آنها بطور آشکار بای‌د جوابگو باشند. این گروه می‌تواند که زیر چتر کمیسیون مستقل حقوق بشر فعالیت نماید، آنها در صورتی که این کمیسیون تمایل به اجرایی چنین نقش را نشان دهند.
- حضور زنان در تمام این نظارت ها و گروههای تحقیقاتی بای‌د تضمین گردد.
- سازمان های حقوق بشر ملی و بین المللی و کمک های انسانی بای‌د بطور منظم به تمام محابس و مراکز توقیف افغانستان دسترسی داشته باشند.

#### دفتر یوناما بای‌د:

- بای‌د مطمئن سازد که چنین یک دستگاهی برای فراهم آوری تمام مساعدت های ممکن بوجود آمده تا درین بخش های کاری کمک نماید. تا زمانی‌که چنین یک دستگاه مستقل ایجاد شود.
- کارمندان یوناما در سراسر کشور در خصوص مسایل حقوق بشر بای‌د حمایت لازم را فراهم نمایند تا که آنها بتوانند این مسایل را تعقیب کنند.
- بای‌د مساعدت های کافی با منابع کافی فراهم نمایند تا یک گروه تحقیقاتی بتواند بدون کدام محدودیت و تعزیر وظایف اشرا انجام دهد. اهداف و وظایف در سیاست کاری آن بای‌د نهفته باشد. این گروه تحقیقاتی بای‌د همیشه قوای انسانی مواد کافی را در اختیار داشته باشد تا بتواند بطور موثر و با سرعت دی‌گر مواد مربوط به قضیه را که در مورد اتهامات گزارش شده در مورد تخطی هاست فراهم کند.
- از محابس دیدار به عمل آید تا شکایات به شکل سمعی و کتبی بدست آمده و با این موضوع تا زمانی سروکار داشته باشند که یک گروه تحقیقاتی مستقل ایجاد می‌گردد.

#### رفتار با زندانیان

#### دولت اسلامی انتقالی افغانستان به کمک جامعه بین المللی بای‌د:

- تمام کارمندان محبس بای‌د آموزش داده شود به شمول آموزشهای عملی حقوق بشر بحیث یک بخش مهم توأم با تاکیدات باشد که هیچ کس نباید مورد شکنجه جسمی و روحی تحت هیچ گونه شرایطی قرار گیرد.

- استفاده از ولچک و زولانه های آهنی باید ممنوع گردد.
- تجهیزات غیر کشنده به شمول، ولچک برای دستها فراهم گردد توأم با آموزش استفاده دست و بدون زین آنها و در پهلوئی آن یک سیستم انکشاف یافته نظارت قرار می‌گیرند و خطرات احتمالی و زخمی شدن نا بهنگام را در بردارد، تا زمانی به افغانستان انتقالی نیابد که کارمندان تجربه استفاده درست را از آنها ندارند.
- نباید هیچ کارمند مرد محبس اجازه نداشته باشد تا در محوطه محبس زنانه داخل گردد و اگر چنین چیزی ضرورت باشد باید توسط یکی از محافظین زن همراهی گردد.
- تحقیق در مورد اتهامات تخطی از حقوق بشر که توسط کارمندان محبس ارتکاب شده باشد، باید فوری، مستقیم، مستقل و غیر وابسته باشد.

### توقیف های خودسرانه

#### دولت اسلامی افغانستان به کمک جامعه بین المللی باید:

- تمام توقیف شده گان باید بطور فوری نزد قاضی آورده شده، هرگاه کسی بدون شاهد مبنی بر انجام جرم توقیف شده باشد، باید بطور فوری رها گردد.
- محبوسینی که مدت حبس شان تکمیل گردیده باید رها گردند. این موضوع زمانی کابل حل خواهد بود که کتاب ثبت در محبس موجود باشد. در تمام کتاب های ثبت باید فرق مشهود میان توقیف شده گان (متهمین) و محکومین بوجود آید.
- تمام محابس غیر رسمی باید بطور فوری مسدود گردیده و وظیفه اجرای دستگیری را فقط مقامات رسمی طبق مقررات قانون انجام دهند.
- ارگان امنیت ملی نباید هیچگونه دستگیری و توقیف را که خارج از ساحه اختیارات اش است انجام دهد و هرگاه اقدام به چنین عملی می‌نمایند باید طبق قانون و در مشاوره با پولیس صورت گیرد.
- تمام محبوسینی که بخاطر اجرای عمل صلح آمیز حقوق بنیادی بشر حبس اند باید رها گردند.
- نباید هیچ کس بطور خودسرانه دستگیر و یا توقیف گردند آنها بخاطر طرز فکر و یا بیانات و یا هم اعتقادش.

#### دولت امریکا باید:

معلومات لازم را در مورد دلایل توقیف، محل توقیف و پروسه قانونی، توقیف شده گان را در اختیار فامیل های آن‌عه اشخاص قرار دهد که در توقیف قوای امریکا قرار دارند.

### بلند بردن آگاهی

#### دولت اسلامی انتقالی افغانستان به کمک جامعه بین المللی باید:

- آگاهی های عامه را از طریق براه اندازی کمپاین های سراسری آموزشی انکشاف داده و برای مردم بفهمانند که در بخش توقیف و دستگیری چی حقوقی دارند.
- منابعی را فراهم آورد تا تعلیمات حقوق بشر را انکشاف داده و پروگرام های آگاهی که شامل ارتباطات شفاهی می‌باشد از طریق شبکه های رادیویی انجام دهد، زیرا سطح بی‌سوادی در کشور بالا می‌باشد.

### پایان